

پروفسور ه. ج. آیزنک *

استاد روانشناسی دانشگاه لندن

ترجمه از:

محمد تقی برآهنی

تعییر رقیا^۱

از جمله مسائلی که همواره توجه بشر را بخود جلب کرده است، مسئله رؤیا است که در گذشته کوشش‌های فراوانی برای تعبیر و تفسیر معنای آن بعمل آمده است. علت این علاقه عمومی را میتوان باسانی کشف کرد زیرا رؤیا یکی از پدیده‌های عجیب و جالبی است که از بعض جهات باندیشه‌های عالم بیداری شبیه است و از لحاظ دیگر با آن تفاوت دارد. اشیایی که در رؤیا می‌بینیم غالباً از نوع اشیای روزانه است مانند: اسب، قطار، مردم . مکان وقوع رؤیا نیز معمولاً محلی است که شخص قبل

۱- ترجمه مقاله چهارم از کتاب: «مفاهیم درست و نادرست در روانشناسی» تألیف ه. ج. آیزنک، چاپ پلیکان، ۱۹۵۷، صفحات ۱۷۵-۱۴۲.

Eysenck,H.J.«The Interpretation of Dreams», in Sense and Nonsense in Psychology, pelican, 1957, pp.142 - 175.

* - پروفسور آیزنک، استاد و رئیس بخش روانشناسی انسیتو روانپزشکی دانشگاه لندن ، در طی ۲۵ سال اخیر کوشیده است که با آزمایش‌های بدیع خود، در روانشناسی روش‌های علوم طبیعی را جانشین حرفی و نصیحت‌گویی و نظریه‌سازی نماید . قسمت اعظم آثار او که متجاوز از صد مقاله و ده کتاب میباشد، بیشتر به مبحث شخصیت آدمی اختصاص یافته است؛ ولی در ارتباط با این موضوع تحقیقات جالبی نیز در زمینه تست‌های شخصیت ، یادگیری انسان ، و ماهیت ناراحتیهای عصبی بعمل آورده است . اساس نظریه‌های او مبنی بر تعلیمات پاولوف فیزیولوژیست و روانشناس نامی روس و هال روانشناس آمریکائی است . بنظر وی شخصیت مولود فعل و افعال بین انسان و محیط مادی و اجتماعی او است و تکوین آن و یا بعبارت بهتر پیدایش صفات اختصاصی فرد بر طبق قوانین یادگیری بطریقی که پاولوف و هال ذکر کرده‌اند، صورت میگیرد . بنابراین ناراحتیهای عصبی نیز پدیده‌های اسرارآمیزی نیستند ، بلکه یادگیریهای غلطی هستند که با استفاده از اصول یادگیری میتوان آنها را ریشه کن ساخت*

با آن آشنایی دارد : از قبیل خانه شخصی، کشتزار و یا باشگاه شبانه. با این حال آنچه در رؤیا اتفاق میافتد غالباً با وقایع زندگی روزانه شباhtی ندارد؛ مثلاً اشخاص بهم دیگر و یا بحیوانات تبدیل میشوند و رؤیابین ممکن است طی چند لحظه، قرون و اقیانوسها را پشتسر بگذارد و با حواشی مواجه شود که بمراتب از داستانهای «هزار ویک شب» مدهش تر و شگفت‌آورترند. بعلاوه هر رؤیا با یک عدد حالات عاطفی شدید توأم است. صحت این موضوع در مورد کابوسها کاملاً روشن است لیکن حتی در عادی‌ترین رؤیاها نیز عواطف تند خوشایند یا ناخوشایندی احساس میشود. وجود این عواطف تند و قوی توجه مردم را بیش از پیش به مسئله رؤیا جلب کرده و آنان را واداشته‌است که رؤیا را پدیده مهمی تلقی کنند.

اطلاعات دقیق و محقق در مورد رؤیا بسیار کم است و متأسفانه همین اطلاعات مختصر نیز بروشن شدن مسئله رؤیا کمک نمیکند. وقتی تعداد فراوانی از رؤیاها

*وصفات بهتری جانشین آنها کرد.

از نظر متداول‌تری معتقد است که نخست باید با استفاده از نظریات کلی، فرضیه‌های قابل آزمایش مطرح ساخت، آنگاه با روشهای معمول در علوم طبیعی آزمایش‌های لازم را انجام داد و سپس با روشهای آماری نتایج آزمایشها را تجزیه و تحلیل کرد و نتیجه گیری نمود. واضح است که برای چنین دانشمندی روانکاوی فاقد ارزش علمی است و ماهم بهمین علت در شماره قبلى این نشریه ترجمه مقاله او را تحت عنوان : «نقص اساسی روانکاوی» منتشر ساختیم تا در ایران نیز علاقمندان به علم روانشناسی، روانکاوی را وحی منزل و یگانه داروی ناراحتیهای روانی و اجتماعی پنداشند. در مقاله «تعبیر رؤیا» نیز آینک با همان صراحة و دید علمی سعی میکند که سنتی عقاید فعلی را درخصوص رؤیا نشان دهد و در ضمن حقایق علمی را در اختیار خوانندگان خود بگذارد. مدت‌ها است که نظریه روانکاوی در زمینه تعبیر رؤیا در سراسر دنیا پذیرای طبع عالم و عامی گردیده است ولی در این مقاله خواهیم دید که این نظریه نیز مانند نظریه‌های پیشین غیرعلمی بوده و حدس و گمانی بیش نیست و فقط با آزمایش‌های علمی میتوان به ماهیت رؤیاها آدمی پی برد (منتجم).

افراد جامعه خود را^۱ بررسی کنیم، میتوان بطور تقریبی آماری درباره محل وقوع رؤیا، نوع اشخاصی که در آن ظاهر میشوند و اعمال و عواطف آنان جمع آوری کنیم . در اغلب رؤیاها محل وقوع کاملاً مشخص است و فقط درصدی پنج آنها شخص ازماهیت دقیق محل رؤیا بی خبر است. در پانزده درصد رؤیاها شخص خود را داخل وسایل نقلیه از قبیل اتوبویل، قطار، هواپیما ، کشتی، قطار زیرزمینی و تراموای می بینند. تقریباً صدی ده رؤیاها در محل تقریبات عمومی از قبیل باگهای عمومی، رقصها، مهمانیها ، کنار دریا و یا محل تماشای ورزشها اتفاق میافتد. ولی محلی که بیش از سایر جاها رؤیا در آن بوقوع می پیوندد، خانه شخصی و یا اطاقهای آن است که رویهم سی و پنج درصد رؤیاها در آن واقع میشود. از لحاظ کثرت محل وقوع رؤیاها، اطاق نشیمن در درجه اول و بعد بترتیب اطاق خواب، آشپزخانه، پلکان ، زیرزمین ، حمام، سالن نهارخوری و سالن عمومی قرار دارد. ده درصد دیگر رؤیاها در دهات یا حومه شهر اتفاق میافتد. محل رؤیای مردان غالباً خارج از خانه و محل رؤیای زنان اغلب داخل خانه است. در ده درصد دیگر رؤیاها شخص در خیابانها و یا جاده ها قدم میزند و بقیه رؤیاها را نمیتوان از لحاظ محل وقوع طبقه بندی کرد.

روانکاوان در تعییر برخی از جنبه های رؤیا معمولاً محل وقوع رؤیارا در نظر میگیرند. مثلاً اگر رؤیا در یکی از وسایل نقلیه اتفاق افتد، روانکاوان چنین تعییر میکنند که شخص به محل خاصی میرود و در حرکت است؛ حرکت نمودار افکاری از قبیل جاه طلبی ، فرار از یک چیز معین ، پیشرفت و نیل بهدف ، گسترش روابط خانوادگی و جز اینهاست . قطار و اتوبویل وسایر وسایط نقلیه منبع نیرو هستند و بهمین جهت آنها را نشانه بی از نیروی حیاتی هوسهای غریزی و بخصوص هوس جنسی بشمار میآورند . دیدن مکانهای تقریبات عمومی حاکی از هوسهای شهوانی است و چون این محلها مخصوص لذت و تقریح هستند بنابراین ظاهر شدن آنها در عالم رؤیا

۱- منظور جامعه انگلیسی است.

نشان میدهد که شخص درجهت هوسهای شهوانی گام بر میدارد نه درجهت کار و کوشش. این تعبیرمزی (سمبولیک) را میتوان بسایر جزئیات رویا تعمیم داد. مثلاً زیرزمین جایی است که کارهای «پست» در آن انجام میگیرد و یا ممکن است نشانه‌یی از هوسهای «پست» و ناهشیار شخص باشد. ما در صفحات بعد اعتبار علمی این قبیل تعبیرات را بررسی خواهیم کرد ولی فعلاً کافی است متنذ کرشویم که طبقه خاصی از مردم هنوز از این روش تعبیر استفاده میکنند.

علاوه بر مکان معین، هر رؤیا قهرمانی مخصوص بخوددارد. در پانزده درصد رؤیاها کسی جز خود شخص بچشم نمیخورد. ولی در هشتاد و پنج درصد رؤیاها، بطور متوسط دونفر دیگر ظاهر میشوند. این افراد غالباً از دوستان و آشنايان و اعضای خانواده رؤیاپین هستند؛ اما صدی چهل این افراد، اشخاصی هستند که ما آنان را نمی‌شناسیم. در این مورد فرض بر این است که افراد مذکور نماینده چیزهای مجہول و مبهم هستند و در تعبیر رؤیا میتوان آنها را اجزای بیگانه‌یی از شخصیت فرد دانست که خود او حاضر نیست آنها را بخود متعلق بداند. مشاهیر و افراد برجسته در رؤیا کمتر ظاهر میشوند. علت این امر شاید این باشد که رؤیاها معمولاً بمطالبی مربوط است که از لحاظ عاطفی برای ما اهمیت دارند.

شخص در رؤیا سرگرم چه نوع فعالیتهاست؟ در سی و پنج درصد رؤیاها شخص در حال حرکت است؛ مثلاً راه میرود، مسافت ر میکند، میدود، میافتد، و یا از جایی بالا میرود. غالباً این حرکات در محیط خانه انجام میگیرند. درصدی بیست و پنج رؤیاها شخص به فعالیتهاست سرگرم است که در آنها بنقل مکان احتیاجی نیست. از قبیل ایستادن، تماشا کردن، نگاه کردن و گفتگو کردن چنین بنظر میرسد که فعالیتهای پر زحمت و عادی زندگی در رؤیا ظاهر نمیشوند. مثلاً بندرت شخص سرگرم کار، خرید و فروش، ماشین نویسی، دوخت و دوز، ظرف شویی و جز اینهاست.

وقتی نیز که نیروهای شخص در رؤیا بکار می‌یافتد این نیروها برای کسب لذت صرف می‌شوند نه برای فعالیتهای عادی زندگی . بطور کلی زنان در رؤیاها خود کمتر از مردان فعل می‌باشند.

هر یک از اعمال و اشخاص و مکان وقوع رؤیاها ممکن است عواطف مختلفی همراه داشته باشد. غالباً شماره رؤیاها ناخوشایند بیش از رؤیاها خوشایند است و ظاهراً با افزایش سن عده رؤیاها ناخوشایند افزایش می‌باید. میزان عواطف ناخوشایند از قبیل ترس، خشم و اندوه دوباره عواطف خوشایندی از قبیل لذت و خوشی است . بطوری که بعداً خواهیم دید عواطف نقش مهمی در تعییر رؤیا به عنده دارند ولی در مورد رنگها چنین نیست و کوشش‌هایی که در گذشته برای تعییر رؤیاها براساس رنگی و سفید و سیاه بودن آنها بعمل آمده غالباً به نتیجه‌یی نرسیده است.

در سطور فوق مواد اولیه رؤیاها را شرح دادیم. حال اگر فرض کنیم که هر رؤیا حائز معنی و مفهوم خاصی است که ممکن است گاهی در هم و برهم باشد و نیز اگر معتقد باشیم که رؤیا تنها ناشی از پس مانده‌های تأثرات حسی بهنگام روز و یا بهنگام وقوع رؤیا نیست، در چنین وضعی رؤیاها را چگونه باید تعییر و تفسیر کرد؟ در گذشته تعییر رؤیا براساس تأثرات حسی کاملاً رایج بود و در واقع میتوان پاره‌یی از رؤیاها را باستفاده از این نظریه توجیه کرد. مثلاً اتمبیل زیبائی که شخص موقع روز دیده است ممکن است هنگام شب در رؤیا ظاهر شود و یا ساعت شماطه زنگ بزنند و ما بجای بیدارشدن در عالم رؤیا احساس کنیم که زنگ‌های کلیسا بصدای آمده و مؤمنین را به زیایش دعوت می‌کنند.

قبایل وحشی نظریه جامعتر و در عین حال شاعرانه‌تری دارند و آن اینکه وقتی شخصی بخواب میرود، روانش اورا ترک می‌گوید و عملاً فعالیتهایی انجام میدهد که خود شخص آنها را بصورت رؤیا درک می‌کند . این نظریه مشکلات خاصی ایجاد می‌کند؛ مثلاً وقتی به رئیس یکی از قبایل اطلاع دادند که یکی از اتباع او در رؤیا سر گرم آمیزش جنسی با دختر او بوده است ، وی شیربهای دخترش را از آن شخص مطالبه کرد، چون بر طبق نظریه رایج روان آن شخص عملاً با دختر او آمیزش کرده

ولذتی برده بود که قانوناً فقط پس از پرداخت شیر بهای دختر عملی میشد. خواننده این سطور میتواند نتایج اخلاقی این نظریه را پیش خود مجسم کند و چند پیشنهاد آزمایشی برای تبرئه آن شخص ابداع نماید. ولی ما در این فصل به چنین کاری مبادرت نخواهیم کرد ، بلکه این نظریه را نیز مثل نظریه پیشین هر دو خواهیم دانست.

واضح است که اکثر رؤیاها را نمیتوان با تعبیر فوق توجیه کرد . اینک دو

گروه بزرگ از نظریه های مربوط به تعبیر رؤیارا مورد بحث قرار میدهیم:
برطبق یکی از این دو نظریه رؤیاها نقش پیشگوئی حوادث را بعده دارند؛ با این معنی که مارا از خطرات احتمالی آینده و یا نتایج اقدامات فعلی آگاه میکنند و درست مانند علائم راهنمایی هستند که مامحتاریم با آنها توجه کنیم و یا آنها را نادیده انگاریم. این نظریه شاید بیش از نظریه های دیگر بین مردم رایج بوده است. رؤیای فرعون که در آن هفت گاو فربه و هفت گاو لاغر ظاهر شدند نمونه بارزی از رؤیا های پیشگوئی کننده است . در این مورد تمام اجزاء لازم برای پیشگوئی رؤیا فراهم بود – جنبه عاطفی شدید رؤیا اهمیت خاصی با آن میدارد، اطلاعات لازم در لفافی از علائم هستنر بود، و معتبر مهارت خاصی در کشف هسته اصلی رؤیا و روشن ساختن معنی و مفهوم واقعی آن داشت .

اگر نظریه فوق صحیح باشد، در این صورت تحصیل فن تعبیر رؤیا اهمیت خاصی پیدا میکند. برای درک علت اشتیاق مردم نسبت به مطالعه تعبیر رؤیا و رواج کتابهای که در این رشته نوشته شده است ، کافی است بیش خود مجسم کنیم که کسی بتواند شب قبل از مسابقه اسب دوانی داری^۱ برندۀ مسابقه را بنحوی در رؤیا تشخیص دهد . کسی که در این رشته راه را برای دیگران هموار ساخت آرتیمیدروس^۲ یکی از محققان ایتالیائی بود که در سده دوم میلادی زندگی میکرد. وی کتابی تحت عنوان «فن تعبیر رؤیا » نوشت^۳ که نه تنها به زبانهای متعددی ترجمه گشت، بلکه عده کثیری

Derby - ۱

Artemidorus - ۲

Oneirocritics - ۳ در زبان فارسی کتاب « تعبیر خواب » مجلسی از نظر روش کار شباht تامی باین کتاب دارد (مترجم) .

از نویسنده‌گان نیز کتابهایی به تقلید از آن نوشته‌ند و یا قسمت‌هایی از این کتاب را بنام خود انتشار دادند. اساس این قبیل کتابها براین نظریه مبتنی است که رؤیا زبان مرموزی است که برای فهمیدن آن باید به واژه‌نامه خاصی مراجعه کرد. این واژه‌نامه را نویسنده کتاب تعبیر رؤیا بصورت فهرست الفبایی اشیایی که ممکن است در خواب ظاهر شوند، در اختیار ما می‌گذارد. بعد از نامه شیء بالاصله معنی آن توضیح داده می‌شود. مثلاً اگر شخصی در خواب ببیند که به مسافرت می‌رود، فوراً واژه «مسافرت» را در کتاب تعبیر رؤیا پیدا می‌کند و ملاحظه مینماید که معنی آن مرگ است. این موضوع ممکن است اورا ناراحت کند ولی رؤیایین خود را چنین تسلی میدهد که رؤیای او مرگ شخص دیگری را پیشگوئی کرده است.

فقط عدد محدودی می‌توانند این تعبیرات را جدی تلقی نمایند. تعبیرات فوق از این لحاظ که بر ادعاهای اثبات نشده و نظریه‌های غیر محتمل متکی هستند، تفاوت زیادی با طالع‌بینی و کف‌بینی و پیشگویی براساس برگهای چای ندارند.

با اینحال بطوریکه در فصل قبل ملاحظه کردیم عده‌ای از دانشمندان احتمال صحبت پیش آگاهی^۱ از وقایع را جدی گرفته و یکی دو تن از آنان به جنبه‌پیش آگاهی رؤیاها توجه خاصی مبذول داشته‌اند. از معروفترین این اشخاص ج. و. دان^۲ را می‌توان نام برد که کتاب او تحت عنوان «آزمایشی درباره زمان» در دهه دوم و سوم قرن فعلی خواندن‌گان بیشماری بخود جلب کرد.

حال یکی از رؤیاها بی را که بخشی از مدارک و شواهد دان را تشکیل میدهد ذکر می‌کنیم: وی در یکی از رؤیاها بسیار صریح و نسبتاً ناخوشایند خود احساس کرد که در زمین بلندی ایستاده است؛ این زمین بلند شبیه تپه یا کوهی سفیدرنگ بود

^۱- به کتاب: «مفاهیم درست و نادرست در روانشناسی»، نوشت آیزنک، چاپ پلیکان، فصل سوم مراجعت شود (متترجم).

و شیارهای مختلف آن دیده میشد که از آنها فواره‌های سفیدی از مه به آسمان میرفت. دان احساس کرد که محل مزبور جزیره بی است که قبلاً نیز آنرا در رؤیاهای خود دیده بود. در نزدیکی جزیره آتشفشاری بود که دائماً آنرا تهدید میکرد. او قبلاً مطالبی درباره کراکاتو^۱ خوانده بود و به خاطرداشت که وقتی آب دریا از طریق شکافی در عمق دریا بداخل آتشفشار راه یافته بود، کوه ناگهان منفجر و تکه‌تکه گشته بود. در این هنگام دان فریاد زده بود: « ای خدا، نزدیک است همه چیز منفجر شود.» آنگاه وی با اشتیاق جنون آمیزی سعی کرده بود که ۴۰۰۰ نفر از ساکنان غفلت‌زده جزیره را نجات دهد و برای این کار مقامات مختلف را وادار کرده بود که عده‌یی از اهالی جزیره را سوار کشته کرده و به جای امنی منتقل نمایند. در تمام طول رؤیا عدد ۴۰۰۰ دقت و توجه خاص اورا بخود جلب کرده بود.

ذکر جزئیات دیگر این رؤیا ضروری بنظر نمیرسد. چند روز بعد نسخه‌ای از روزنامه « دیلی تلگراف » به او رسید (وی در آن‌مان کنار ویرانه‌های لیندلی که در آن موقع بخشی از کشور آزاد اورانژ^۲ بود، چادر زده بود و کوچکترین تماسی با دنیای خارج نداشت). در این روزنامه وی خبر انفجار آتشفشار مون پلے^۳ را مطالعه کرد و فهمید که در نتیجه‌این آتشفشار شهر سن پیر^۴ که مرکز تجارتی جزیره فرانسوی ماری نیک^۵ از جزایر هند غرب بود، بکلی ویران شده ، ۴۰۰۰ نفر از ساکنان آن به هلاکت رسیده و چندین کشتی مدنها مشغول جمع آوری مابقی اهالی بوده‌اند.

-۱ kraKatoa جزیره کوچک آتشفشاری در تنگه سند از نواحی هند هلند (مترجم) .

-۲ يکی از کشورهای افریقا (مترجم) .

3- Mont pelée

4- Saint - pierre

5- Martinique

6- West Indies

مالحظه میکنیم که در این حادثه . . . نفر کشته شده ، در حالیکه دان در رؤیای خود عده کشته شد گان را فقط . . . نفر تخمین زده است. ولی وی مینویسد که روزنامه مذکور را به عجله خوانده و عده کشته شد گان را . . . نفر یافته بود . بهمین علت دان بعدها نیز براین عقیده بود که عده کشته شد گان واقعاً . . . نفر بوده است و تا ۱۵ سال قبل یعنی زمانیکه متن خبر روزنامه مذکور را شخصاً رونویس کرد، هنوز باور نداشت که عده کشته شد گان چهل هزار نفر بوده است. اما دان، این قضیه را نیز چنین توجیه میکند که رؤیای او حاصل پیش آگاهی از گزارش روزنامه بوده و اشتباه اور در مورد تعداد کشته شد گان نتیجه اشتباهی است که هنگام قرائت متن روزنامه مرتکب شده است . دان ابداً این احتمال را در نظر نمیگیرد که اشتباه او در خواندن متن روزنامه نتیجه عددی است که در رؤیا ظاهر شده بود، حتی اگر چنین اشتباهی وجود نداشت ، باز هم رؤیای انعجار آتشفشن را قبل از اینکه عملاً منجر شود، نمیتوان تصادقی بیش تلقی کرد.

رؤیایی که ذیلاً نقل میشود، شاید کمی جالبتر از رؤیای فوق الذکر است : دان شبی بخواب دید که بین دو مزرعه در جاده باریکی که اطراف آنرا نرده های آهنی بلندی فرا گرفته بود، قدم میزند. در این موقع ناگهان در مزرعه سمت چپ اسبی را مشاهده کرد که ظاهرآً دچار جنون شده و بشدت تقلا میکند. دان مضطرب بانه، نرده های اطراف را بدقت تماشا کرد، تا مطمئن شود که راهی برای بیرون آمدن اسب وجود ندارد. وقتی اطمینان یافت که چنین شکافی در نرده ها نیست ، براه خود ادامه داد. اما ناگهان متوجه شد که اسب ب نحوی از نرده ها گذشته و چهار نعل بدن بال او میدود. دان مانند خر گوشی بسرعت شروع به دویدن کرد تا خودش را به پلکان چوبی انتهای جاده برساند. روز بعد با برادرش بهماهیگیری رفت. بعد از مدتی برادرش او را متوجه حرکات عجیب و جالب اسبی در آن حوالی کرد. در نزدیکی آنها دو مزرعه قرار داشت

که اطراف آنها نرده کشی شده بود؛ اسبی هم آنجا بود و مانند رؤیای شب قبل حرکات عجیبی انجام میداد؛ در انتهای جاده نیز پلکان رؤیای شب قبل به چشم میخورد. چند اختلاف جزئی و کم اهمیت بین این صحنه و صحنه رؤیای دوشین مشهود بود. دان شروع کرد با برادرش درباره رؤیای خود صحبت کند ولی بتدریج از تصور اینکه ممکن است اسب مانند صحنه رؤیا ناگهان از مرعه بیرون آید، مضطرب میشد. لیکن وقتی ملاحظه کرد که نردها شکاف و دروازه‌ای ندارند، با خود گفت: «در هر حال این اسب نمیتواند بیرون بیاید.» دوباره سر گرم ماهیگیری شد ولی برادرش ناگهان او را صدا زد و دان متوجه شد که درست مانند رؤیای دوشین، حیوان وحشی بطرز معجزه‌آسائی از مرعه بیرون آمده و بسرعت به طرف پلکان انتهای جاده میدود. اسب پلا فاصله پلکان را واژگون کرد و خودرا در رودخانه انداخت و مستقیماً درجهت دان و برادرش برآه افتاد. آخر داستان چندان وحشتناک نبود؛ چون وقتی اسب از آب بیرون آمد، نگاه مختصری به دو آدم و حشت‌زده انداخت و بعد با صدای بلندی هوای سینه‌اش را بیرون دمید و آنگاه چهار نعل در طول جاده شروع به دویدن کرد. در این مورد هم تصادف عجیبی رخداده است ولی شکی نیست که دان قبل از رؤیا اسب و مرعدها و جاده و پلکان چوبی را عملأ دیده بود. در نتیجه با آسانی میتوان ملاحظه کرد که عناصر مختلف رؤیا چیزی نبود مگر خاطره‌اشیایی که قبلاً به چشم خود دیده بود ولی در ذهن هشیار او اثری از خود نگذاشته بودند. موارد اختلاف رؤیا با حادثه روز نیز حائز اهمیت است: مثلاً در رؤیا دان تنها بود ولی در حادثه روز برادرش همراه او بود؛ در رؤیا اسب در طول جاده دنبال دان میدوید، در حالیکه هنگام روز دنبال کسی نمیدوید.

دو رؤیای فوق الذکر شاید جالب‌ترین رؤیاهایی است که دان در کتاب خود ذکر کرده است؛ بنابراین از شرح رؤیاهای دیگر کتاب او خودداری میشود. این

شواهد دان را تشویق کرد که یک رشته آزمایشهای خاص انجام دهد. در این آزمایشها جزئیات کلیه رؤیاهای خود را ثبت میکرد و آنگاه میکوشید در روزهای بعد حوادثی پیدا کند که با وقایع رؤیاهای مشابه بودند. علاوه بر این دان از افراد دیگر نیز تقاضا کرد که آزمایشهای اورا تکرار کنند. بعدها وی ادعا کرد که با این روش تعداد کثیری رؤیاهای پیشگو جمع آوری کرده است. اما وقتی با کمال بیطرفی قضاوت شود و با این نکته توجه کنیم که رؤیاهای مذکور در کتاب دان، جالبترین و متقدعد کننده ترین رؤیاهایی است که وی جمع آوری نموده است، خواننده شکاک شاید دلیلی برای ترک شک و تردید خود پیدا نکند.

روش دان فاقد جنبه اثبات قضایا است؛ چون با این روش نمیتوان میزان تأثیر عوامل اتفاقی و آشنازی‌های قبلی شخص و سایر جنبه‌های پیچیده موضوع را تعیین کرد. خود او نیز اعتراف میکند که نوشههاییش جنبه اثبات بمعنى معمولی این اصطلاح ندارند؛ درنتیجه خواننده را تشویق میکند درستی و یا نادرستی این شیوه را شخصاً به محک آزمایش بزند. دان ادعا میکند که با پیروی از این روش، خواننده کاملاً به درستی روش او مؤمن و معترف خواهد بود. اما من با اینکه شخصاً در عرض چندماه گذشته مرتباً رؤیاهای خود را ثبت کرده‌ام، هنوز نتوانسته‌ام کوچکترین مدرکی در تأیید قدرت پیشگویی رؤیاهای پیدا کنم. با اینحال اگر ادعای خود او صحیح باشد، باز هم چیزی اثبات نمیشود؛ زیرا اعتقاد و اطمینان عاطفی در خصوص صحت عقدۀ خاصی، اگر هم مورد قبول عده کثیری از مردم باشد، الزاماً دلیل منطقی بشمار نمیرود. بنابراین دان روش معمولی ارائه شواهد را کلاً بهیچ انگاشته‌است و درنتیجه نمیتوان نظریه اورا بیش از نظریه‌های پیشین جدی تلقی کرد.

تاکنون فقط یک بررسی دقیق و کنترل شده در این زمینه بعمل آمده است.

این بررسی در ماه مارس ۱۹۳۲ انجام گرفت. چند روز بعداز ربوده شدن کودکی از

خانواده لیندبرگ و قبل از اینکه جسد طفل پیدا شود، محققان ضمن نامه‌ای از اهالی کشور درخواست کردند که رؤیاهای خودرا درمورد رخداد شدن کودک به آنها بفرستند. روی هر فته ۱۳۰۰ رؤیا جمع آوری شد و محتوی رؤیاهای با حقایقی که چند هفته بعد درمورد جسد کودک کشف شد، مقایسه گردید. حقیقت مطلب این بود که جسد بر همه و قطعه قطعه شده کودک را در قبر کم عمقی در چمنگلی نزدیک جاده پیدا کردند. اما فقط در پنج درصد رؤیاهای کودک را مرده تصور کرده بودند و از میان آنها نیز فقط در هفت رؤیا محل واقعی جسد، موضوع بر همه بودن آن و جریان دفن کردن آن بدستی تشریح شده بود. ازین این هفت رؤیا نیز فقط در چهار رؤیا سه مشخصه‌اصلی یعنی مرگ کودک، دفن کردن آن و اینکه محل قبر در وسط درختان است، ذکر شده بود. قضاویت محققان این بود که رؤیای زیر دقیق‌ترین هفت رؤیا است:

« بنظرم رسید که توی جنگل در مکانی گل آلود ایستاده ام و یا قدم میزنم. در آن حوالی محلی شبیه قبری کم عمق و گرد دیده میشود. در همان لحظه صدای شنیدم که مضمون آن این بود: (کودک را همینجا کشته‌اند و دفن کرده‌اند) بقدرتی ترسیدم که بلا فاصله از خواب پریدم. »

اگر توجه کنیم که رؤیای فوق ازین ۱۳۰۰ رؤیا دقیق‌ترین آنها است و در این مورد نیز از میان حقایق امر فقط چند نکته بدستی ذکر شده است، باشکال میتوان درباره استعداد پیشگوئی کسانی‌که ۱۳۰۰ رؤیا به محققان فرستاده بودند، خوشنیان بود. ممکن است کسی ادعا کند که فقط عدد معددی از افراد از چنین استعدادی بهره‌مندند و درمورد فوق این عدد معدد رؤیاهای خودرا به محققان تفسیه بودند. ولی نتیجه ابداع چنین فرضیه‌ای این خواهد بود که ما سعی کنیم افرادی را که میتوانند شواهد لازم را در اختیار ما بگذارند کشف و تعیین کنیم. کوتاه سخن اینکه موضوع استعداد پیشگوئی هسته‌ای هسته‌ای جالبی به نظر میرسد ولی متأسفانه با مطالعه رؤیاهای

نمیتوان شواهدی در تأیید آن جمع آوری نمود. آنچه در این مسئله مورد نیاز فوری است، روشی است از نوع روشی که راین^۱ و سول^۲ و سایر محققان برای مطالعه غیب‌بینی^۳ وتله‌پاتی^۴ ابداع کردند. با چنین روشی میتوان به دقت میزان تأثیر عوامل اتفاقی را در آزمایشها تخمین زد. ولی اگر در ابداع این روش موفق نشویم باید یقین داشت که نتیجه گیریهای ما حاصل صدفه و اتفاق است و همگرایی اتفاقی را نمیتوان دلیل بر صحبت تصورات غیرمحتمل از قبیل ادرارک و قایع آینده در رؤیا دانست. البته افکار اینکه ممکن است روزی سرانجام شواهد لازم بdst آید، خود تفکری غیرعلمی است. ولی در حال حاضر باید اذعان کرد که فعلاً شواهدی که برای اثبات نظریه‌های فوق ارائه شده است حتی در درجات بسیار ابتدائی نیز منطقی بنظر نمیرسد.

حال باید روش دوم را که کلاً متمایز از تبییرهای فوق است وهم‌کنون رواج کامل دارد بررسی کنیم تا معلوم شود که این روش تا چه حد بر شواهد دقیق و معتبر متکی است. چون این شیوه بستگی زیادی با نظریات فروید^۵ دارد، باین جهت لازم است قبل از نظریه فروید را لائق با اختصار شرح دهیم. با اینکه مردم کما بیش با جنبه‌های مختلف نظرات فروید آشناei دارند، اما در این مورد نیز بین آنچه مردم بعنوان

Rhine - ۱

Soal - ۲

۳- مترجم این کلمه را برای واژه انگلیسی **Clairvoyance** انتخاب کرده است. غیب‌بینی هنوز فرضیه‌ای بیش نیست. بر طبق این فرضیه ادعا میشود که بعضیها میتوانند حواسی را که در فاصله دور اتفاق میافتد بدون استفاده از چشم و وسائل فنی ببینند.

۴- برای کلمه انگلیسی **Telepathy** معادل مناسبی در فارسی بنظر نمیرسد تله‌پاتی فرضیه‌ای است که بر طبق آن ادعا میشود که بعضیها میتوانند افکار و عقاید و تجارب ذهنی و عواطف همیگردا بدون استفاده از اعضاء بدن و وسائل فنی درک کنند. امید است که استادان ایرانی برای واژه‌های غیب‌بینی و تله‌پاتی اصطلاحات مناسبی در فارسی پیدا کنند (مترجم).

نظریه‌های فروید قبول داشته‌اند و آنچه خود فروید نوشت، اختلاف فاحش موجود است. بنابراین بیفایده نیست که نظریه فروید را با اختصار بیان کنیم.

بر طبق نظریه فروید و کسانیکه صدھا و شاید هزاران سال قبل از او درین مقوله سخن گفته‌اند، رؤیا چیزی درباره آینده بما نمی‌گوید، بلکه عقده‌های حل نشده و ناھشیار فعلی هارا باز گومیکند و ممکن است به وقایع نخستین سالهای زندگی که بنابرگفته روانکاران سرچشمۀ اصلی معایب فعلی ما است رهنمون شود. این نظریه کلی شامل سه فرضیه عمده است که اینک جزئیات هریک را شرح میدهیم: نخست اینکه رؤیا ترکیب درهم و پرهم و بی‌معنایی از صور و اندیشه‌های نیست که بطور اتفاقی کنارهم قرار گرفته باشد؛ بلکه باید گفت که خود رؤیا کلاً و هریک از اجزاء آن معنی و مفهوم خاصی دارند. فرضیه دوم فروید این است که هر رؤیا همیشه بطرز خاصی «سبب تحقق آرزوها»^۱ می‌شود. به بیان دیگر قصد و هدف خاصی در هر رؤیا ذهنی است و این قصد و هدف عبارت است از ارضا یکی از امیال و یا کشش‌هایی که غالباً جنبه ناھشیار دارند. ثالثاً فروید معتقد است که چون این امیال و آرزوها مورد قبول ذهن اجتماعی شده رؤیایین نیستند و بهمین جهت از حوزه هشیاری طرد شده‌اند، درنتیجه حتی در رؤیا نیز بدون تغییر شکل ظاهر نمی‌شوند. بازرس روان و یا «فرامن»^۲ مدام مواظب آنها است تا در رؤیا چنان تغییرشکل یابند که رؤیایین قادر به تشخیص آنها نباشد.

حال هریک از فرضیه‌های فوق الذکر را بهتر تدبیر بررسی می‌کنیم. بطوریکه میدانیم نظریه مر بوط به معنی دار بودن رؤیا نظریه‌ای بس قدیم است. در مورد فروید این نظریه نتیجه مستقیم جهان‌بینی جبری او است، با این معنی که کلیه قضایای ذهنی و بدنی علمی دارند و اگر از این عمل آگاه باشیم میتوانیم وقوع این قضایا را پیش‌بینی

کنیم . این مطلب یکی از مقاومت‌های فلسفی است که هیچ دانشمندی صحبت آنرا انکار نمی‌کند . لیکن باید خاطر نشان ساخت که میتوان تمام قضایای طبیعی از جمله رؤیا را معلول علل خاصی دانست بی آنکه توجیه فروید را در مورد معنی دار بودن رؤیاها پذیرفت . پنقالد^۱ جراح مشهور اعصاب نشان داده است که اگر چند سوزن را به نواحی معنی از مغز فرو کنیم و بعداز داخل این سوزنها جریان برق عبوردهیم ، بالاصله در ذهن بیمار یک سلسله خاطرات خاصی زنده خواهد شد و اگر بکرات در همان محل جریان برق برقرار کنیم باز هم همان خاطرات در ذهن ظاهر خواهد شد . محركات طبیعی نیز ، بهمین ترتیب ، ممکن است بطور اتفاقی قسمتهای مختلف پوشش مغزی را تحریک کرده و ترکیبات اتفاقی خاصی از خاطرات گذشته در ذهن بوجود آورند که هنگام روز در نتیجه مداخله تأثیرات حسی شخص متوجه آنها نمی‌شود ولی هنگام خواب ، بصورت رؤیا ، بوضوح در ذهن خودنمائی می‌کنند . البته ما این نظریه را جدی تلقی نمی‌کنیم ولی میخواهیم نشان دهیم که بدون اشاره به مسئله معنی دار بودن رؤیاها نیز میتوان آنها را بر اساس نظریه جبری توجیه کرد . این نکته سوء تفاهم خاصی ایجاد کرده است ، چون دانشمندان مختلف که بطور کلی به جبری بودن قضایا ایمان دارند ، عقیده فروید را در مورد معنی دار بودن رؤیاها باین علت پذیرفته اند که آنرا توجیهی جبری پنداشته اند ؛ اما اگر قبول کنیم که در این مورد ممکن است توجیهات جبری دیگری اقامه کرد ، پاسانی میتوان شواهد هر بوط به تعییرات فروید را بررسی کرد و صحت آنها را به محک آزمایش زد .

جانبداری فروید از نظریه معنی دار بودن رؤیاها ناشی از این نظریه عمومی او است که کلیه اعمال آدمی جبری بوده و هر یک معنی و مفهوم خاصی دارند . این نظریه شامل اشتباهات لفظی ، اطوار ، فراموشیهای جزئی و عواطف و جز اینها میباشد . نمونه

این توجیه در داستانی که ژان ژاک روسو نقل می‌کند بوضوع دیده می‌شود. قضیه ازین قرار است که وی عادت داشت هنگام رسیدن به خیابان معینی راه خود را کج کند. وقتی روسو علت این «عادت مکانیکی» را از خود پرسید، باین نتیجه رسید که: «در نتیجه غور و تفکر علت این امر برایم روشن شد؛ قبلاً هیچ یک از این اندیشه‌ها از ذهن من خطور نکرده بود». علت واقعی این بود که روسو از صدای مداوم گدای کوچکی که در آن حوالی می‌نشست، متقد بود. روسو سپس مینویسد: «هیچ یک از هوش‌های مکانیکی آدمی را سراغ ندارم که منشأ آن قلب آدمی نباشد، برای کشف این مطلب کافی است که راه و روش جستجو را بلد بود». این نوشه در حقیقت هسته اصلی نظریه فروید درمورد معنی دار بودن وقایع است - نظریه‌ای که حتی صدها سال قبل از تولد فروید پیشینیان درباره آن بحث کرده و آنرا پذیرفته بودند ولی فروید در رواج و توسعه آن سهم بسزائی داشت.

حال باید به فرضیه دوم فروید یعنی اینکه رؤیا و سیله تحقق امیال است توجه کنیم. این فرضیه با نظریه کلی فروید درخصوص شخصیت آدمی ارتباط دارد. بطور کلی، بنظر فروید شخصیت از سه عنصر اصلی تشکیل یافته است: نخست «سرشت»^۱ که منبع کششها و هوش‌های ناهمیاری است که غالباً جنبه جنسی دارند؛ چنین بنظر میرسد که سرشت منبع انرژی لازم برای فعالیتهای عادی زندگی است. در برآین سرشت عنصری بنام «فرامن»^۲ قرار دارد که تاحدی جنبه هشیار و تا حدی جنبه ناهمیار دارد و نماینده اخلاقیات اجتماع است. حدفاصل بین دو عنصر فوق، عنصر «من»^۳ یا جنبه خودآگاه شخصیت قرار دارد که سعی می‌کند اختلاف سرشت و فرامن را مرتفع سازد.

اگر این مطلب را در لباس اصطلاحات مذهبی بیان کنیم ممکن است سرشت را معادل «گناه اصلی انسان» و فرامن را معادل «وجدان»^۴ بدانیم.

محققان آثار کلاسیک میتوانند در کتاب «فیدروس»^۱ افلاطون باسانی پایه نظریه فوق الذکر را پیدا کنند. سقراط در داستان خود میگوید:

« بطوریکه در آغاز این داستان گفتم، من روح را به سه قسمت تقسیم میکنم: دو اسب و یک راننده . یکی از اسبها خوب و دیگری بد است؛ این تقسیم بندی بجای خود، ولی من تاینچا نگفته‌ام که علت خوبی و بدی اسبها چیست. حالا میخواهم به شرح این نکته پردازم. اسبی که در سمت راست قرار دارد، تمیز و آراسته است و قائمی بلند و گردانی معروف و بینی ای عقابی دارد. رنگ آن سفید و چشمانش سیاه‌رنگ است و شرافت و تواضع و اعتدال و جانبداری از عقاید صحیح را دوست‌میدارد. در مورد او نیازی به استفاده از شلاق نیست و با حرف و نصیحت باسانی راه میرود اسب دیگر حیوانی گوژپشت و کندر و است ولی در هر حال همراه اسب اول است. گردانی کوتاه و کلفت، صورتی پهن، پوستی تیره رنگ و چشمانی خاکستری و خون گرفته دارد. گستاخ و مغزور و کراست و گوشاهی خشن و زبری دارد و بندرت از شلاق و نیزه فرمان میبرد. هنگامیکد خیال راننده از عشق مالامال است و عقل و درایت روحش را گرمی بخشیده و هوس و آرزو شوری در ذات وجود او افکنده است، اسب مطیع و فرامبردار - که مثل همیشه تحت فرمان آزم است - از آنچه ولینعمت او دوست میدارد، سرپیچی نمیکند. ولی اسب دیگر که توجهی به سینه‌کها و ضربه‌های شلاق ندارد، افساره‌یگسلد و از راننده فرامیکند و به انحصار مختلف مزاحمت رفیق خود و راننده را که سعی دارد اورا به معشوق و محبوب نزدیک کند و از سرور عشق آگاهش نماید، فراهم می‌آورد .»

یکی از مفسران درباره عبارت فوق چنین اظهار عقیده کرده است : « سه عنصر اصلی شخصیت یعنی هوس‌های ابتدائی و حیاتی، « خود » هشیار و ایده‌آل، و جنبه‌عقلانی

آدمی هر گز باین زیبائی توصیف نشده است. » پس این قسمت از نظریه فروید نیز ببیچ وجه تازه و بکرنیست، بلکه متجاوز از دو هزار سال است که بخشی از افکار طبقه منور الفکر دورانهای مختلف تاریخ بوده است. بین نظریه فروید درخصوص شخصیت و نظریه او درمورد نحوه تعبیر رؤیا ارتباط ساده‌ای برقرار است: قوای ناشی از «سرشت» دائمًا می‌کوشند که «من» را تحت کنترل خود درآورده و وارد حیطه هشیار ذهن شوند. هنگام بیداری «فرامن» همیشه بشدت این قوا را ناکام می‌کند و در قشر ناهشیار ذهن نگه میدارد؛ ولی هنگام خواب کنترل «فرامن» کاهش می‌یابد و درنتیجه پاره‌یی از هوسهای سرشنی به هیجان درمی‌آیند و بعضی از آنها بصورت رؤیا خودنمایی می‌کنند. اما با اینکه ممکن است «فرامن» تاحدی دچار خواب آلودگی و رخوت شود، معهداً این عنصر شخصیت همیشه بیدار است و درنتیجه اندیشه‌های که هدف شان تحقق امیال است باید بشدت تغییر شکل یابند. این تغییر شکل نتیجه فرایندی^۱ است که فروید آنرا « فعل و اتفعال جریان رؤیا^۲ » نامیده است بنابراین لازم است بین رؤیای ظاهر^۳ یعنی رؤیا به آن شکلی که شخص احساس کرده‌ویا بیان می‌کند، و رؤیای ممکنون یعنی اندیشه‌ها و هوسها و آرزوهای که در پشت حجاب ظاهر رؤیا قرار دارند، تمایز قائل شد. بطوریکه ملاحظه می‌شود، برطبق این نظریه، وظیفه روانکاو و یا معبر رؤیا این است که رؤیای ظاهر را بر اساس رؤیای ممکنون توجیه کند.

حال باید دید این توجیه چگونه انجام می‌گیرد؛ برای این کار فروید از دو روش اصلی استفاده می‌کند. روش اول عبارت است از تعبیر و تفسیر بر اساس نشانه‌ها (سمبل‌ها) که ما قبل^۴ دربحث مربوط به نظریه آرتیمیدوروس با آن آشنا شده‌ایم. روش دوم که حائز اهمیت و توجه بیشتری است روش تداعی اندیشه‌ها است.

نخست باید نحوه استفاده فروید را از نظریه سمبولیسم بیان کرد. فروید نویسنده‌گان کتابهای قدیم، فهرست مفصلی از نشانه‌ها ارائه میدهد که هر یک معرف شیء و یا عمل خاصی هستند؛ با این تفاوت که کتابهای تعییر رؤیا در این مورد جامعتر و حوزه اطلاق آنها وسیعتر بوده است و بعلاوه سمبولیسم فروید تقریباً منحصر به مسئله جنسی و روابط جنسی است. بر طبق نظریه فروید در رؤیا اشیاء بیشماری میتوانند جانشین آلت تناسلی مرد شوند؛ باین معنی که هر چیز دراز و نوک تیز از قبیل چوب‌دستی، سیگار، دود کش، برج، وساقه گل باین دلیل که ظاهرآ شباhtی به آلت تناسلی مرد دارند، معرف آن هستند. طبیعت، چاقو، گازانبر، و تفنگ نیز چون چیزی از خود به بیرون پرتاب میکنند و یا در چیزی فرموده اند، معرف آلت تناسلی مرد هستند. بهمین دلیل خیش کشاورزان نیز معرف آلت تناسلی مرد است چون در زمین فرو می‌رود. اسب سواری وبالارفتن از پلکان و فعلیت‌های عادی بیشمار دیگر را معرف آمیزش جنسی میدانند؛ اشیاء ظروف توخالی معرف زن هستند؛ مثلاً خانه و جعبه و تابه و گلدان جانشین آلت تناسلی زن محسوب می‌شوند.

بر طبق نظریه فوق معتقد شده‌اند که اعضاء خانواده غالباً بطور سمبولیک در رؤیا ظاهر می‌شوند؛ مثلاً پدر و مادر ممکن است بصورت شاه و ملکه جلوه گر شوند؛ لازم نیست که فعلاً فهرست مفصلی از اشیاء و اعمال و نحوه تعییر سمبولیک آنها را بر طبق نظریه فروید ذکر کنیم (بعداً وقتی پاره‌یی از رؤیاها را مورد بحث قرار میدهیم به‌چند فقره از این سمبیل‌ها نیز اشاره خواهیم کرد). بهمین ترتیب بحث انتقادی خود را درباره این جنبه خاص از نظریه فروید و همچنین معرفی روش نسبتاً منطقی‌ای که ممکن است جانشین آن گردد، بعداز بررسی روش تداعی اندیشه‌ها مطرح خواهیم ساخت.

هسته اصلی روش تداعی را میتوان در نظریات آن دسته‌ای فلاسفه قرن نوزدهم که

تابع مکتب تداعی بودند، پیدا کرد. بعقیده آنان، در نتیجه‌شباهت و مجاورت، پیوندی بین اندیشه‌ها برقرار می‌شود و زندگی ذهنی انسان را می‌توان با استفاده از تکوین این پیوندی‌ها توجیه کرد. اگر تکوین این پیوندی‌ها تابع قانون علت و معلول باشد، می‌توان با استفاده از اندیشه‌های ظاهر و طی یکرشته تداعی‌ها، از پدیده ظاهر به پدیده ممکنون پی‌برد. به بیان دیگر با در دست داشتن اندیشه‌های غیرقابل قبول برای نفس که هردم در جستجوی خودنمایی هستند، بالاخره به اندیشه‌های بی‌معنایی می‌رسیم که در محتوی ظاهر رویا بچشم می‌خورد و چون همین اندیشه‌های ظاهر ناشی از اندیشه‌های ممکنون رویا است، بنابراین، اندیشه‌های اصلی را می‌توان از راه تداعی مجدداً کشف کرد. برای این‌کار، فروید اندیشه خاصی را از محتویات ظاهری رویا انتخاب کرده و به بیمار خود می‌گوید که این اندیشه را بخوبی به‌ذهن بسپارد و بعد آنچه این اندیشه اصلی در ذهن‌ش زنده می‌کند، با صدای بلند بگوید. فروید معتقد است که با این روش، از طریق یکرشته تداعی، بالاخره اندیشه ممکنون اصلی کشف خواهد شد. مثال زیر که از آم. اف. فرینک^۱ اقتباس شده است، مرحله تداعی مجدد را بخوبی توضیح میدهد. اندیشه‌ای که در این مورد مبدأ قرار گرفته است از رویا گرفته نشده، بلکه مر بوط به فراموشی‌های جزئی است؛ معهذا بنظر فروید رویا و فراموشی جزئی علت واحدی دارند و در نتیجه با استفاده از هریک ازین دو پدیده می‌توان روش کار را توضیح داد.

یکی از دوستان فرینک از او نام مغازه‌ای را پرسید که در آن شیء مخصوصی فروخته می‌شد. فرینک خود مغازه را بخاطر آورد ولی ملاحظه کرد که نام آنرا فراموش کرده است. چند روز بعد وقتی از کناره‌مان مغازه رد می‌شد مشاهد کرد که نام آن «پاند»^۲ است. این فراموشی، بنا بر گفته فروید، از روی انگیزه‌ای صورت گرفته

۱— M.F.Frink.

۲— Reassocation .

نام مغازه مذکور و در انگلیسی معنی استخر است Pond .

و معنی خاصی داشت. بهمین جهت فرینک تصمیم گرفت که با استفاده از روش تداعی، معنی اصلی این واقعه را پیدا کند. برای این کار او از کلمه «پاند» شروع کرد و شخصی بنام دکتر «پاند» را بخاطر آورده که عضو تیم چو گان بود. بعد افکار او متوجه دریاچه کوچک ایندیان «پاند^۱» شد؛ در کود کی برای ماهیگیری به کنار این دریاچه میرفت؛ پیش خود مجسم کرد که چگونه سنگ بزرگی را بعنوان لنگر قایق کوچک خود به دریاچه میانداخت. در همین موقع شخصی بنام فیشر^۲ در مغز او ظاهر شد که او هم عضو تیم چو گان بود. بدنبال این خاطرات «عصاره پاند» در ذهن او پیدا شد. در ساختن این عصاره از گیاهی بنام ویچ هیزل^۳ استفاده میشد. حالا او خوب بخاطر میآورد که وقتی در کود کی چو گان بازی میکرد، بر گهای این گیاه را به بازوی خود میمالید. این مطلب پسر نسبتاً چاقی را که باهم دریک تیم بودند در خاطرش زنده کرد؛ بعد پیش خود مجسم کرد که چگونه روزی این پسر چاق در گل افتاده بود و وقتی از توى گل بیرون آمد، صورتش چنان گل آلود بود که شاهت تامی به خوک پیدا کرده بود. این نکته هم خاطره جوان دیگری را در ذهن او زنده کرد که اوزرا «خوکه» مینامیدند و در همین موقع بخاطر آورد که در آن زمان خود او را هم «خوک» لقب داده بودند.

در این موقع، در نتیجهٔ دخالت یک عامل خارجی، رشتهٔ تداعیهای او برای چند لحظه قطع شد و بعد وی دوباره از کلمه «پاند» شروع کرد. این کلمه، بالا فاصله، واژه «تعمق» و بعد واژه «تفکر» را در ذهن او زنده نمود. سپس عبارت: «آزده از سایه کمر نگ اندیشه‌ها» بخاطر او آمد و این عبارت نیز کلمه «هملت» را بدنبال داشت و این کلمه نیز قصبه معینی را در ذهن او زنده کرد که تصور کرده بود دهکده کوچکی

بیش نیست. در این قصبه دهقانی باو گفته بود که یکی از همسایگانش صرفاً از روی پستی، دو رأس خولک اورا کشته و جسد آنها را در چاه همین دهقان انداخته است. در همین لحظه، ناگهان، وی واقعه‌ای از هفت‌مین سال زندگی خود را بخطاطر آورد که سرانجام با توجه بآن خطای حافظه‌اش بخوبی توجیه می‌شد. در آن روزها او عادت داشت که کنار دریاچه کوچکی با برادرش بازی کند؛ سگی هم که او خیلی دوستش میداشت معمولاً در این دریاچه شنا می‌کرد. هر دو برادر غالباً سنگهایی به طرف سگ می‌انداختند و حیوان سعی می‌کرد در حال شنا آنها را بگیرد. در یکی از روزها، برادر کوچک برای ترسانیدن سگ، سنگ بزرگی به طرف او انداخت و لی در نشانه گیری اشتباه کرد؛ سنگ به بینی سگ اصابت کرد و در نتیجه حیوان در آب غرق شد. این واقعه فرینک کوچک را بشدت در غم و اندوه فرو برد بطوریکه حتی بعدازماهها کسی نمیتوانست او را تسلی دهد. خاطره این واقعه، گاهی سبب می‌شد که فرینک شبها گریه کند. توجیه روانکاران در این مورد این است که فراموشی کلمه «پاند» تصادفی نبوده، بلکه فرینک این کلمه را عمداً از ذهن خود طرد کرده بود، چون پیوند در دنای کی با غرق شدن سگ داشت.

در این مثال توجه اصلی ما به سلسله خاطرات فرینک معطوف می‌شود. از همان آغاز، اندیشه‌های او روی نکته خاصی متمن کردمیشود که ابتدا از نظر پنهان بود ولی ناگهان در پایان تداعیها ظاهر می‌گردد. مثلاً خاطره اورا درباره «دکتر پاند» در نظر بگیرید؛ فرینک خودش پزشگ است و واقعه غرق شدن سگ در کنار «دریاچه» اتفاق افتاده بود؛ چو گان باز هم کسی است که توب را پرتاپ می‌کند. خاطره دوم هر بوط به «دریاچه ایندین» است؛ این دریاچه در شهری واقع شده بود که سگ آنجا غرق شده و فرینک همانجا سنگ بزرگی پرتاپ کرده بود. خاطره سوم هر بوط به شخصی بنام «فیشر» (در لغت بمعنی ماهیگیر) است و درین کلمه نیز مسئله پرتاپ

کردن مستتر است. خاطره‌ای هم که بعد از کلمه «هملت» ظاهر شد، باز هم توأم با عمل پرتاب و افتادن چیزی در آب بود. ولی داستان همینجا خاتمه نمی‌پاید؛ در سلسله خاطرات فرینک جوانی که «پیگی» (خوکه) لقب داشت و همچنین موضوع کشته شدن خوکها ذکر شده است. این نکته مهم بنظر میرسد ولی برای روشن شدن آن لازم است متذکر شویم که نام سگ «گیپ» بود و این اسم معکوس شده کلمه پیگ (معنی خوک) است.

این بود نمونه‌ای از توجیهاتی که با استفاده از روش تداعی صورت می‌گیرد. شاید خوانندگان با ما همداستان باشند که در این روش نکات جالبی دیده می‌شود. با این داستان سعی می‌شود ثابت نمایند که بین خاطرات دوران کودکی فرینک و فراموشی کلمه «پاند» ارتباط علی برقرار است. ولی در اثبات این نکته موفق نمی‌شوند؛ تنها چیزی که داستان فوق ثابت می‌کند این است که بین اصطلاحاتی که معانی مشابهی دارند در ذهن ارتباط برقرار می‌شود. ولی برای اثبات این نکته لازم نیست که باین همه دلیل تراشی پیچیده و باریک متولّ شویم. با اینحال فکر اصلی استفاده از روش تداعی برای مطالعه محتویات ذهن واقعاً فکر بکر و هوشمندانه‌ایست و در این مورد ما خود را باید مدیون کسی بدانیم که برای اولین بار این مفهوم را وارد روانشناسی کرد. برخلاف تصور عموم، این مردسر فرانسیس گالتون^۱ بود نه فروید. نام گالتون بیشتر در نتیجه نهضتی که برای اصلاح نژاد انسان آغاز کرد، بر سر زبانها افتاد، ولی درساير رشته‌های علوم نیز مسلمان سزاوار شهرت و افتخار است. وی یکی از دانشمندان بسیار تمیز هوش قرن نوزدهم بود که در رشته‌های متعدد تبحر داشت و کشفیاتش در این رشته‌ها، زندگی امروزی ما را از هر لحظه تحت تأثیر قرار داده است. با اینکه

وونت^۱ دانشمند پر کار و اصولی آلمان را پایه گذار روانشناسی جدید لقب داده‌اند، معهدا خدمات او بیشتر جنبه اداری داشتند تا جنبه خلاق؛ بهمین جهت گالتن را بحق باید پایه گذار روانشناسی جدید دانست.

گالتن از جمله آخرین نوایع جهان است که توانسته بود در رشته‌های متعددی تبحر پیدا کند و در مسایل بسیار متنوع دست به تحقیق زند. یکی از تذکره نویسان درین مورد فهرست پائین را ذکر کرده است: «مسافرت، هواشناسی، نقشه‌های بر جسته جغرافیا^۲، سوت‌های پرطین، انتقال خون، عکسی ترکیبی، انگشت‌نگاری، تداعی اعداد و کلمات، همبستگی، دوقلوها، نازایی ارثی در زنان و اختراعات و اکتشافات مختلف». برای درک اهمیت بعضی از آثار گالتن کافی است که گفته پیرسون^۳ دانشمند و آمارشناس معروف را درباره یکی از کارهای گالتن یعنی مسئله همبستگی باز گو کنیم؛ پیرسون هنگام اشاره به یکی از بررسیهای تجربی گالتن مینویسد:

«احتیاجی که گالتن در بررسی این مسائل بروشهای جدید آماری احساس می‌کرد، منجر به کشف حساب همبستگی شد که ریشه و اساس شاخه تازه‌بی از علوم یعنی تئوری ریاضی آمار را تشکیل میدهد.... در نتیجه پیدایش این مفهوم، نظریه تازه‌بی در مورد عالم جاندار و بیجان بوجود آمد که برای علوم در حکم کتاب منطق تازه‌بی^۴ بود ولی تأثیر آن حتی دائم‌دارتر از آثار بیکن^۵ بود. همانطور که حساب

1— Wundt.

2— Stereoscopic Maps.

3— Pearson

4— Correlational Calculus.

5— Novum organum.

6— Bacon.

جامعه و فاضله^۱ مشخصه بارز قرن هفدهم بود، حساب همبستگی را نیز باید مشخصه بارز ربع آخر سده نوزدهم شمرد.

گالتن شیوه پیچیده‌یی از تستهای تداعی را روی خود آزمایش کرد و به نتایجی دست یافت که بعدها فروید ویونگ آنها را مشهور خاص و عام ساختند. در این مورد گالتن مینویسد:

«این نتایج درمن نظریه جالب و غیرمنتظره‌یی درخصوص تعدد اعمال ذهن وجود آورد و فهمیدم که چگونه این اعمال در اعماق تاریک ذهن جریان دارند و من قبل از وجود آنها بی‌اطلاع بودم. اثر کلی آنها درمن، پیدایش حالتی بود شبیه احساس مردیکه ناگهان در زیر زمین خانه‌اش تعمیرات وسایل بهداشتی شروع شود و وی برای اولین بار سیستم پیچیده‌یی از لوله‌ای فاضل آب و گاز و آب معمولی و دود کشها و سیمهای زنگ و جز اینها را که راحتی او منوط به آنها بوده است با چشم خود ببیند. این وسایل معمولاً از نظر ما مخفی هستند و تا وقتیکه بدرستی کار می‌کنند، هر گز متوجه موجودیت آنها نمی‌شویم.»

فروید با استفاده از روش تعییر سمبولیک و روش تداعی که هردو مدت‌ها قبل از او کشف شده بود، 'شروع به تعییر رؤیا' کرد. وی کشفیات تازه خود را تحت عنوان «مکانیزم^۲» هائیکه در عالم رؤیا فعال می‌باشند، بیان می‌کنند. نخستین مکانیزمی که نام می‌برد عبارت از مکانیزم «صحنه‌سازی^۳» است. مقصود از این مکانیزم بطوریکه میدانیم، آن است که صور بصری نقش عمده را در رؤیا بعده دارند و اندیشه‌های مجرد بنحوی تبدیل به صور قابل انعطاف می‌شوند. بنظر فروید این عمل، با جریان

1—Fluxional Calculus.

2—Mechanisms.

3—Dramatization.

تبديل شدن همسایل مجرد به کاریکاتورها شیاهت دارد. رسام کاریکاتور و رویابین هر دو مشکلات مشابهی دارند. رسام نمیتواند مفاهیم مورد نظر خود را در لباس کلمات بیان کند؛ وی هجوم است آنها بطریقی بصورت صحنه‌های مصور در آورد. مثلًاً نمیتواند ضمن چند کلمه نشان دهد که عمل ویلهلم دوم قیصر آلمان در بر کناری صدراعظم هجرب خود بیسمارک و همچنین قبول کلیه مسئولیتها اشتباه بوده است، ولی میتواند همین موضوع را در مجله فکاهی «پانچ» ضمن کاریکاتوری تحت عنوان «بر کناری ناخدا کشتی» بیان کند. درین کاریکاتور، امپراطور سرهست و دیوانه را می‌بینیم که کفار پل کشتی ایستاده است و ناخدا افسرده (بیسمارک) از پلکانهای کشتی پائین می‌آید.

علاوه بر صور بصری ممکن است صور کلامی نیز در رویا ظاهر شوند. درین موارد امکان دارد که معنی تحتاللفظی کلمه با یکی از معانی نادر آن پیوند یابد. مدت‌ها قبل از فروید، هارکیز هروی دو سن دنی^۱، که خود یکی از محققان تیز هوش مسئله رویا بود، ملاحظه کرد که احتمال دارد ظهور صور کلامی در رویا سبب پیدایش جناس شود. بعنوان مثال وی مورد خاصی را ذکر می‌کند که در آن کلمه «روزانی»^۲ در رویابین صورتی از روپوش رختخواب بوجود آورد که با گلهای سرخ تزیین یافته بود. این ارتباط بین اسم خاص «روزانی» و کامات «روز-آلی» (گل سرخ در رختخواب) جناس چندان خوبی نیست ولی نمونه‌یی است از طرز پیدایش صحنه‌هایی که صور ذهنی ایجاد می‌کنند.

مکانیزم سمبولیزم، که قبل از کر آن گذشت، یکی دیگر از مکانیزم‌هایی است که با مکانیزم صحنه‌سازی ارتباط نزدیک دارد. اکنون مثالی ذکرمیکنیم که نحوه

1- Marquis Hervey de Saint - Denis .

2- Rosalie.

3- Rose - à - lit.

صحنه‌سازی و سمبولیزم در رؤیا روش نشود. در این رؤیا زن جوانی بخواب دید که مردی تلاش میکند برای سرگشی سوار شود. سه بار این هزد، بی آنکه توفیقی حاصل کند، سعی کرد بر اسب سوار شود ولی دفعه چهارم بالاخره روی رکاب قرار گرفت و اسب را بحر کت در آورد. چنانکه قبل از این نظریه سمبولیزم فروید، اسب‌سواری معرف عمل آمیزش جنسی است. در این رؤیا از تداعیهای رؤیایی چگونه استفاده می‌شود؟ اسبی که زن جوان در رؤیا دیده بود، اورا بیاد کلمه فرانسوی «شوال^۱» انداخت و بخاطر آورد که در کودکی اورا بهمین نام صدا می‌کردند. علاوه بر این مثل اسبی که در رؤیا ظاهر شده بود، سبزه و سرزنه بود. مردی هم که می‌خواست سوار اسب شود از دوستان بسیار نزدیک او بود. وقتی در گذشته با این مرد معاشقه می‌کرده است، چنان اورا گستاخ کرده بود که وی سه بار کوشیده بود با او همستر شود؛ ولی در هر سه مورد، در لحظه آخر اصول اخلاقی زن مانع این عمل شده بود. در رؤیا ممانعت از انجام آرزوها چندان قوی نیست و بهمین جهت بار چهارم تلاش مرد منجر به تحقق آرزوی زن شده بود.

اختصار^۲ مکانیزم دیگری است که تصور می‌کنند در جریان رؤیا هؤلر است. محتوی ظاهری رؤیا فقط خلاصه‌یی از محتوی مکنون آن است. بطوریکه فروید مینویسد: «خود رؤیا در مقایسه با غنایه و وسعت اندیشه‌های اصلی معمولاً ناچیز و جزئی و موحجز و مختصراست». فروید براین عقیده است که هر یک از عناصر ظاهر رؤیا نتیجه چند عامل اساسی است، باین معنی که هر یک منوط و مربوط به چند عمل مکنون بوده و میان چند اندیشه پنهانی است. بعنوان مثال رؤیای زن جوانی را ذکرمی‌کنیم: در این رؤیا زن جوان در حالیکه با یکی از دوستان خود در خیابان پنجم نیویورک قدم می‌زد، در مقابل مغازه یکی از کلاه فروشان ایستاد و بتماشای کلاهها سرگرم شد

۱- در زبان فرانسه معنی اسب (Cheval).

۲- Condensation.

و بالاخره به داخل مغازه رفت و کلاهی خریداری کرد. فرینک که این روایا را تعبیر کرده بود، خاطرات زیر را کشف کرد: این زن عالمابا یکی از رفقای خود در خیابان پنجم نیویورک گردش کرده ولی کلاه نخریده بود. شوهر او درست بیماری خوابیده بود و با اینکه بیماریش خطرناک نبود، وی سختی ناراحت بود و می‌ترسید شوهرش بمیرد. در همان گردش وی با دوستش، از مردی صحبت کرده بود که قبل از ازدواج با او آشنائی داشت و سخت عاشقش بوده است. وقتی از او سؤال شد که چرا بالاو ازدواج نکرد، جواب داد که وضع مالی و اجتماعی این مرد بمراتب بالاتر از او بود. بعداً وقتی از او خواستند که تداعیهای خود را درباره خریداری کلاه دکر کند، وی گفت که کلاههایی که آنروز دیده بود واقعاً جالب و زیبا بودند و خیلی مایل بود که یکی از آنها را خریداری کند، ولی فقر شوهرش مانع این عمل شده بود.

فرینک معتقد است که در این روایا زن جوان با خریدن کلاه، موفق به تحقیق میل اصلی خود شده است. ولی قضیه بهمینجا خاتمه نمی‌یابد؛ ناگهان این زن بخاطر آورد که کلاهی که در رویا خریده بود، سیاهرنگ و در حقیقت کلاه «سو گواری» بوده است. فرینک این نکته را چنین تعبیر می‌کند: روز قبل از روایا زن جوان از تصور احتمال مرگ شوهرش، دچار وحشت شده بود ولی در روایا با خریداری کلاه سو گواری هوس اینکه شوهرش بمیرد تحقق یافته بود. هنگام بیداری بعلم فقر شوهرش نتوانسته بود کلاه مورد نظر خود را خریداری کند ولی در روایا این امر تحقق یافته بود. مفهوم ضمنی این مطلب آن است که حالا شوهر ثروتمندی دارد و ما با توجه به خاطرات او ملاحظه می‌کنیم که واقعاً مرد ثروتمندی در این صحفه‌ها بچشم می‌خورد. بهمین جهت فرینک چنین نتیجه می‌گیرد که این زن جوان از شوهر فعلی خود خسته و بیزار است و ترس او از مرگ شوهرش عکس العملی است دفاعی در برابر آرزوهای مرگ شوهر.

و حقیقتاً مایل است با مردی ازدواج کند که قبل از دوستش میداشت و ثروت قابل ملاحظه‌ای برای تحقق آرزوهای او در اختیار دارد. وقتی فرینک تعبیرات خود را به بیمار شرح داد وی قبول کرد که این تعبیرات درست است و حقایق دیگری را باز گو کرد که این تعبیرات درست است و حقایق دیگری را باز گو کرد که مؤید تعبیرات فرینک بود. از اهم این حقایق تازه یکی این نکته بود که وی بعداز زناشوئی متوجه شده بود که مردی را که دوست میداشت، بهمان میزان عاشق او بوده است. کشف این حقیقت، احساسات دیرین اورا برانگیخته بود، بطوریکه از ازدواج عجلانه خود پشیمان شده بود. اگر این تعبیرات را قبول کنیم، ملاحظه خواهیم کرد یک کلاه چگونه حاصل سه میل اصلی یعنی مشاهده مرگ شوهر، ازدواج با معشوق دیرین و دوست یافتن به پول بوده است.

آخرین مکانیزم رؤیا که لازم است اینجا توضیح داده شود، مکانیزم انتقال^۱ است. این مکانیزم سبب میشود که عواطف شخصی بجای اینکه باشیاء مربوط تعلق داشته باشند، باشیاء غیرمهم و فرعی تعلق بگیرند. بهمین جهت گاهی ممکن است وجود اصلی محتويات مکنون هر گز در محتوى ظاهر دیده نشود و یا ظاهر آچین باشد. در این موارد محتويات مکنون در پشت حاجابی از اشیاء بی‌گزند مخفی شده است. اینک مثالی از نحوه انتقال ذکرمیشود: دختری که دچار وسوس خاطر بود بخواب دید که کنار مردی قرار گرفته که هویت اصلیش برای او معلوم نیست ولی وی نوعی الزام و اجبار خاص در برابر این مرد احساس میکند. در این موقع برای ابراز حق شناسی دختر شانه خود را به آن مرد هدیه کرد. جزئیاتی از زندگی دختر که مربوط به بحث فعلی مالاست ازین قرار است: این دختر یهودی بود و یک سال قبل یکی از جوانان پروستان از او خواستگاری کرده بود. هر دو یکدیگر را دوست داشتند ولی

اختلاف مذهب مانع شده بود که رسماً نامزد شوند؛ چون دختر معتقد بود که کانی که حاصل این ازدواج دور گه باشد ممکن است درخانواده ناراحتی و اختلاف ایجاد کنند زیرا معلوم نبود که براساس تعالیم کدامیک از مذاهب پرورش خواهد یافت. با درنظر گرفتن این مسئله دختر به خواستگار خود جواب منفی داده بود. شب قبل از رؤیا بین دختر و مادرش مشاجرة شدیدی در گرفته بود و درنتیجه دختر صلاح در این دیده بود که علیرغم حوادث احتمالی آینده، بهر قیمتی است، خانواده خود را ترک گوید. آن شب تا هنگام خواب در این فکر غوطه ور بود که چگونه بدون کمک خانواده معيشت خود را تأمین کند. وقتی از او خواهش شد که خاطرات خود را در باره کلامه شانه باز گو کند، جواب داد که در گذشته موقعی که کسی از شانه و یا مسوالک دیگران استفاده میکرد باو میگفتند: «این کار را نکن، دور گه بوجود میآید». این خاطره بمن کمک میکند که رؤیا را بنحو صحیح تعبیر کنیم. کسی که در رؤیا هویتش نامعلوم بود همان خواستگار پیشین دختر بوده است و او با تقدیم کردن شانه خود با آن مرد موافقت خود را با این ازدواج دور گه اعلام داشته بود؛ یعنی در واقع میخواست با او ازدواج کند و از او بچه دار شود. با این وصف، رؤیای دختر میان قصد و انگیزه مهمن بود. معهداً درنتیجه دخالت مکانیزم انتقال، ازدواج با پروتستان جوان در محظی ظاهری رؤیا نمایان نمیشود و موضوع ظاهر آنامر بوطی یعنی تقدیم شانه جانشین آن میگردد.

در صفحات قبل ما چند رؤیا را با استفاده از روش فروید تعبیر کردیم و حال باید میزان اعتبار و بسندهای فرضیه‌های فروید را بررسی کنیم؛ ولی قبل از این نکته را خاطرنشان سازیم که این چند فقره مذکور، رؤیاهایی هستند که با نظریات فروید بیشتر مطابقت دارند و بغایت روشنتر و مشخص تر از رؤیاهایی هستند که معمولاً در کتابهای خود فروید و پیروانش دیده میشود. خود روانکاران هم، بارها برای

اثبات نظریه‌های خود از همین رؤیاهای فوق الذکر استفاده کرده‌اند . برای این که در باره نظریه‌های فروید عادلانه قضاوت کنیم مثال‌هایی ذکر کردیم که بیش از سایر موارد میتوانند نظریه‌های فروید را اثبات کنند و حال اگر با این مثال‌ها نیز صحت نظریه فروید تأیید نشود، در باره صحت این نظریه‌ها باید حکم منطقی صادر کرد.

حال لازم است بخاطر آوریم که هسته اصلی نظریه فروید یعنی قسمتی از آن که تازه و بدیع بوده و از دیگران گرفته شده، این است که علائم (سمبل‌ها) و سایر مکانیزم‌های رؤیا برای پنهان کردن چیزی بکار می‌افتد که چنان نفرت‌انگیز و یا با اخلاقیات بیمار تباین دارد که حتی ذر رؤیا نیز حاضر نیست مستقیماً با آن مواجه شود . این نظریه چنان با حقایق مسلم مبادیت دارد که معلوم نیست چگونه حاضر شده‌اند آنرا جدی تلقی کنند . اینک پاره‌یی از اعتراضها را بیان می‌کنیم : در وهله اول باید گفت افکاری که در رؤیای خارجی بطور سمبولیک ظاهر می‌شوند، در سایر رؤیاهای با وضوح و روشنی تمام و بطور مستقیم نمایان می‌گردند. مثلاً یکی از رؤیاهای رؤیاهای با شخص معینی همبستر شویم : در حالیکه در رؤیای دیگر همین افکار بکشیم و یا با شخص معینی همبستر شویم : در پرده ظاهر می‌شوند؛ باین معنی که عملاً خویشاوند نزدیک خود با صراحة تمام در خود رؤیا ظاهر می‌شوند؛ با این معنی که در پرده ظاهر می‌شوند نزدیک خود را می‌کشیم و یا با دختر مورد نظر خود همبستر می‌شویم عملت اینکه در مورد اول افکار در پرده صخیمی قرار می‌گیرند ولی در مورد دوم بی‌پرده ظاهر می‌شوند چیست؟ جو کاستا^۱ به او دیپوس^۲ می‌گوید: « عده کثیری از جوانان بخواب می‌بینند که با مادر خود

1- Jocasta.

مادر او دیپوس

2- Oedipus.

در افسانه‌های قدیم یونان شاهزاده‌یی است که پدرش را کشت و با مادرش ازدواج کرد و بر تخت نشست ولی وقتی از هویت مادرش آگاه شد، چشمان خود را از کاسه بیرون آورد و در کوه و دشت سرگردان شد و سرانجام در تبعیدگاه جان سپرد. در نظریه‌های فروید عقدَ^{*}

همبسترشده‌اند.» اگرچنین است چه لزومی دارد که در رؤیا بخود زحمت بدهند و بخواب بینند که گاو ماده‌یی را با تپانچه میکشند؟

اعتراض دوم ما این است که سمبلهایی که تصور می‌شود افکار اصلی رؤیارا پنهان می‌کنند، غالباً همیشه چنین نیستند. اشخاصی هستند که اطلاعی از روانکوی ندارند و لی بدون کوچکترین اشکال میتوانند سمبلهای جنسی رؤیاهارا تعبیر کنند. بالاخره باید این حقیقت را قبول کنیم که زبان روزانه مردم اصطلاحات عامیانه بیشماری دارد که غالباً معرف فعالیتها و اعضاء جنسی هستند و چه بسا شباهت تامی به سمبلهای مورد نظر فروید دارند. مثلاً وقتی کسی «خروس» بخواب می‌بیند، مسلم است که در این مورد پوشش و پرده‌ای در کار نیست و این کلمه معرف آلت تناسلی مرد است. شخص عامی ممکن است هر گز اصطلاح کتابی این کلمه را بلد نباشد ولی عملاً می‌بینیم که در زندگی روزانه مراد او از کلمه «خروس» همیشه همان است. چنین به نظر میرسد که فروید بکلی از حقایق زندگی عادی بیخبر بوده است.

آخرین انتقادی که در این مورد میتوان ذکر کرد، بوسیله کالوین. اس. هال^۱ عنوان شده است که ما ذیلاً به تشریح نظریه خود او خواهیم پرداخت. وی این سؤال را پیش می‌کشد که چرا برای شیء معینی این همه سمبل تراشیده‌اند؟ با بررسی کتابهای مربوط به این موضوع وی کشف کرد که ۱۰۲ سمبل مختلف معرف آلت تناسلی زن و ۵۵ سمبل نمودار عمل آمیزش جنسی هستند. هال سپس می‌پرسد که چرا این اعضاء و عمل قابل نکوهش، لازم است در پشت این همه نقاب و حجاب

*اودیپوس عقده‌یی است که در نتیجه میل جنسی پسر به مادرش در کودکی تکوین می‌یابد. در چنین حالی پسر نسبت به پدر خویش حسادت می‌ورزد؛ پس از پیدا شدن این عقده احساس گناه می‌کند و دچار پریشانی عاطفی می‌شود (مترجم).

مخفي شوند.

حال باید دید سه رؤیائی که شرح آنها قبلاً گذشت، تا چه حد نظریه فروید را تأیید میکنند؟ نخست رؤیای زن جوانی که «شوال» لقب یافته بود بررسی میشود. بطوریکه دیدیم این زن سه کوشش مصممانه‌یی را که برای همبستری با او بعمل آمد و بطوریکه دیدیم این زن سه کوشش مصممانه‌یی را که برای همبستری با او بعمل آمد بود، در لحظات آخر عقیم گذاشت، ولی در رؤیا، این کوششها سرانجام در لفافی از سمبل‌ها به نتیجه مثبت رسید. بر طبق نظریه فروید باید قبول کنیم که برای این زن فکر همبستر شدن با مردمورد علاقه‌اش چنان وحشتناک و متابین بالصول اخلاقی و تربیت اخلاقی او بود که حتی در رؤیا نیز نمیتوانست تصور چنین عملی را در ذهن خویش راه دهد و بهمین جهت عمل مزبور در لباس دیگری ظاهر میشود. این استدلال ما را به پیچویجه متقاعد نمیکند زیرا تصور این امر مشکل است که دختری چند بار چنان در معاشره و مغازله افراد کند که نزدیک شود بکارت خودرا ازدست بدهد ولی هر گز نتواند در برآرد امکان عمل آمیزش جنسی بیندیشد و در نتیجه، ناچار، این فکر را به قشر ناھشیار ذهن خویش بسپارد. حتی روانکاوی که قدم به قدم از «استاد» پیروی میکند، نمیتواند استدلال فوق را جدی تلقی کند.

همین مطلب در مورد خانم جوانی نیز که در رؤیا کلاه سوگواری خریده بود، صادق است. در این مورد نیز، افکاری که در رؤیا بطور سمبولیک ظاهر میشوند – دوست دارم پول بیشتری برای خریداری لباس در اختیار داشته باشم، میخواهم با مردی که عاشقش بودم ازدواج کنم، مایلم از دست شوهرم خلاص شوم – بعید به نظر میرسد که چنان برای شخص نقرت انگیز باشند که نتوانند در حوزه هشیار ذهن شخص را بیند و حتی در رؤیا نیز شخص نتواند بی پرده با آنها مواجه شود. در حقیقت توضیحات روانکاو، بخوبی نشان میدهد که این افکار کاملاً در حیطه هشیار ذهن شخص مورد نظر قرار داشتنند؛ بنابراین چه لزومی داشت که در لباس سمبل‌ها ظاهر شوند؟

رؤیای مربوط به «شانه» نیز که در آن دختر با «وصلت دور گه» مخالف بود، بوضوح نادرستی فرضیهٔ فروید را ثابت می‌کند. فکری که در این رؤیا تغییر شکل یافته‌است - می‌خواهم با نامزدم ازدواج کنم و خانواده‌ام را ترک گویم. فکری بود که برای رؤیابین کاملاً قابل قبول بود و در حقیقت مشغله دائمی ذهن هشیار او گشته بود. در این مورد بهیچوجه نمیتوان از این عقیده دفاع کرد که افکار مکنون در رؤیا که که از «سرشت» سرچشم می‌گیرند، چنان وحشی و پست و غیرقابل قبول هستند که حتی در رؤیا نیز نمیتوانند بدون نقاب جلوه گر شوند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم سه رؤیایی که روانکاوان ازین هزاران رؤیا بعنوان شاهد صادق نظرات خود بر گزیده‌اند، در حقیقت بنحو انکارناپذیری بطلان یکی از نکات اصلی نظریهٔ فروید را ثابت می‌کنند. بنابراین حالا با اعتماد بیشتری می‌توانیم فرضیهٔ فروید را درخصوص منشأ تقابهای مشهود در رؤیا رد کنیم. این فرضیه بر اساس عقاید نامحتمل ارائه شده، متناقض است، و حتی با چند رؤیای منتخت و مخصوص که بر اساس روانکاوی تعبیر شده‌اند، نمیتوان صحبت آن را ثابت کرد.

آیا میتوانیم نظریهٔ بهتری را جانشین نظریه‌یی کنیم که در بالا بطلان آن ثابت شد؟ در این خصوص، اخیراً، نظریه‌های جالبی بوسیلهٔ سی. اس. ها یکی از روانشناسان معروف امریکا ارائه شده است. استدلال اورا میتوان چنین خلاصه کرد: حقیقتی عینی، مثلاً آمیزش جنسی، درنظر افراد مختلف معانی مختلف خواهد داشت؛ این فعالیت ممکن است برای شخص معینی نمودار تولید نسل و برای شخص دیگر حمله تجاوز کارانه بدنی باشد. همین مفهومهای مختلف از حقیقت واحد عینی هستند که در لفاف سمبلهای خاصی در رؤیا جلوه گرمی‌شوند. مثلاً اگر رؤیابین عمل شخم‌زن و یا دانه‌کاشتن را در رؤیا ببینند، این امر را میتوان تظاهر سمبولیک عمل تولید نسل دانست، ولی اگر بخواب ببینند که کسی را چاقو می‌زند و یا با تفنگ می‌کشد و یا با

اتومبیل زیر میگیرد، این وقایع نشانه آن است که عمل آمیزش جنسی بصورت حمله تجاوز کارانه‌ای ظاهر شده است. بر طبق این نظریه وظیفه سمبیل‌ها این نیست که معنی اصلی رؤیا را دَگر گون سازند، بر عکس باشد که این سمبیل‌ها هم اعمال قهرمانان رؤیا را برای رؤیابین روشن میگردانند، و هم در عین حال طرز تفکر رؤیابین را در خصوص این اعمال و اشخاص نشان میدهند.

اگر رؤیابین مادر خود را بخواب ببینند و مادرش در رؤیا بصورت گاو و یا ملکه ظاهر شود، فروید فوراً نتیجه خواهد گرفت که رؤیابین مادر خود را با این سمبیل‌ها مخفی کرده است، چون حاضر نبوده است هوسها و اندیشه‌هایی که در رؤیا نسبت به سمبیل مادر ظاهر شده‌اند، حتی در برابر خودش نیز آزادانه جلوه گر شوند. هال این رؤیا را چنین تعبیر خواهد کرد که نه تنها رؤیابین مایل بود مادرش بنحوی در رؤیا ظاهر شود، بلکه در ضمن از طریق این رؤیا نشان میدهد که او مادرش را شخصی پرحاصل و مفید (گاو) و یا شاهانه و دست نیافتنی تصور میکند. بنابراین سمبیل‌های رؤیا جنبه تشریحی دارند نه جنبه پوشش و اختفاء. باید توجه داشت که در زندگی روزانه نیز سمبیل‌ها بهمین منظور بکار میروند: مثلاً شیر نماینده شجاعت، مار مظہر شر و حقد نماینده عقل و درایت است. با این قبیل سمبیل‌ها، ما مفاهیم پیچیده و بغرنج را در لباس واژه‌هایی جامع و مختصر بیان میکنیم.

بر طبق این نظریه، پاره‌یی از سمبیل‌ها، بطور کلی، بیش از سایر سمبیل‌ها مورد استفاده قرار میگیرند، چون نماینده شیء واحدی هستند که مفاهیم متعددی عرضه میکنند. مثلاً «ماه» یکی از این سمبیل‌های مختصر و جامع است که عوامل متعددی سبب میشود مظہر زن باشد؛ صور مختلف ماهانه ماه به مرحل قاعدگی زنان شbahت دارد؛ تبدیل تدریجی ماه تازه به ماه کامل شبیه گردی تدریجی شکم زنان در دوره بارداری است؛ در برابر خورشید هما در مقام پائین تری قرار دارد؛ ماه مانند زن مبتلونی مدام در تغییر است،

در حالیکه خورشید پیوسته ثابت میباشد؛ ماه جذر و مداد آبهارا کنترل میکند و این امر به کنترل خانوادگی مادران شباخت دارد؛ بالاخره نور ضعیف ماه، ظرافت زنان را مجسم میکند. هال نتیجه میگیرد که: «نظم و ترتیب، تغییر، باروری، ضعف، و اطاعت و زبونی همگی در شیء قابل روئیت واحدی متراکم و متمنز کرگشته‌اند». برای اینکه نشان دهیم هال چگونه از نظریه خویش در تعبیر روایا استفاده میکند، مثالی از کتاب او ذکرمیکنیم:

«در پهپ بمزین یعنی محل کارم بودم و رفیقم «باب» سرگرم کار بود. بنظرم رسید که «باب» تازه کار و کم تجربه است؛ او مشغول بازرسی روغن اتومبیل بود؛ برای این کار میله روغن سنج را بیرون کشید و بآن نگاه کرد. در همین موقع تاحدی بحال عصبانی بدسمت او رفت و گفت: (باب) برای اینکه مقدار روغن اتومبیل را بازرسی کنی باید اول روغن میله روغن سنج را پاک کنی و بعد دوباره آنرا داخل محفظه روغن کنی و سپس بیرون بیاوری و عقربه را بخوانی. باب از راهنمائی من تشکر کرد و روایا همینجا پایان یافت.».

وقتی از روایابین تقاضا شد که خاطرات مربوط به این روایا را بازگو کند، فی گفت که این روایا عمل آمیزش جنسی و اینکه باب آن را بنحو صحیحی انجام نمیدهد در خاطرش زنده میکند. از قرار معلوم، باب با زنان فاسد هراوده داشت و روایابین این عمل را صحیح نمیدانست و مایل بود باب از آن خودداری کند. عمل داخل کردن میله روغن سنج به محفظه روغن، نمودار مستقیم عمل آمیزش جنسی است و بنحو خاصی یک مفهوم مکانیکی از تشفی جنسی را بیان میکند. بار دیگر ملاحظه میکنیم که تعبیر این روایا بر اساس نظریه فروید تا چه حد نادرست و بیربط میباشد.

نظریه هال درباره سمبول های روایا در مورد روایاهای متعددی که خود او در کتابش ذکر کرده است، صحیح بمنظور میرسد، ولی تصور میشود که در سایزه موارد چنین

نباشد؛ حقیقت اینکه هر یک از نویسنندگان کتابهای تعییر رؤیا میتوانند چند هورد خاص ذکر کنند که با نظریه آنان مطابقت دارد، ولی این نظریه‌هارا نمیتوان درمورد رؤیاهای افرادی که خود نظریه‌های دیگری دارند، صادق دانست. این امر نشان میدهد که هر یک از روهای تعییر رؤیا ممکن است حقایق خاصی در برداشته باشند ولی این حقایق هر گرعمومی و همگانی نیستند و فقط در زمینه نسبتاً کوچکی قابل اطلاع میباشند. حقیقت دیگری نیز مؤید این نتیجه است و آن این که باحتمال قوى کسى که رؤیاهای او مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد بزودی شروع به فراگيرى سمبولهای فرضی معتبر خود میکند و از روی اطاعت محض در رؤیاهای خود از همین عالم و سمبولها استفاده مینماید. با توجه به این امر نمیتوان فهمید که چرا پیروان فرويد همیشه اعلام میدارند که رؤیاهای بیماران آنها مملو از سمبولهای موردنظر فرويد است، درحالیکه جانبداران تعالیم یونگ نیز گزارش میدهند که بیماران آنها سمبولهای پیشنهادی یونگ را که بکلی با سمبولهای مورد نظر فرويد متفاوتند، بخواب می بینند.

علاوه بر آینه‌ها، عامل دیگری نیز سبب میشود که ما نتوانیم تعییرات سمبولیک معابر ان مختلف را به آسانی قبول کنیم و آن این که ما چه میدانیم که اتوسمبول حتماً معرف کشش جنسی است و معرف خود اتوسمبول نیست؛ به بیان دیگر، اگر هر چیزرا معرف چیزی دیگر بدانیم، پس رؤیابین بیچاره چگونه میتوانند اشیاء مختلفی از قبیل خانه، پیچ، سرنگ، لوکوموتیو، تفنگ، ماہ، اسب، راه رفتن، اسب‌سواری، و بالا رفتن از پلکان و بالاخره سایر چیزهای معمولی را بخواب ببینند؟ اگر یکی از وقایع ساده و معمولی زندگی مثلاً مسافرت با قطار را در نظر بگیریم و آن را توصیف رؤیای خاصی بپنداریم، نتیجه چه خواهد بود؟ درسطور پایین خواننده ملاحظه خواهد کرد که چگونه پاره‌بی از سمبولهای مورد نظر فروید میتوانند توصیف ساده و مستقیم

واقعه خاصی را به معنا تبدیل نمایند. کلمات و عبارات مربوط به بحث فعلی با خط سیاه نوشته شده است تا تشخیص نکات عمدۀ آسانتر شود.

نخست، لوازم خود را در چمدان میگذاریم و چمدان را به پائین پلکان میبریم؛ بعد تا کسی را صدا امیز نیم، آنگاه اول چمدانهای خود را داخل تاکسی میگذاریم و سپس خودمان وارد آن میشویم؛ تاکسی بسرعت بجلو حرکت میکند ولی بزودی عبور و مرور مردم سبب میشود که توقف کند؛ درین موقع راننده تاکسی مرتباً دست خود را بالا و پائین میبرد تا نشان دهد که میخواهد توقف کند. سرانجام تاکسی داخل ایستگاه میشود. هنوز موقع حرکت قطار نرسیده است، بنابراین تصمیم میگیریم که کارت پستال بفرستیم؛ نوک مداد را تیز میکنیم ولی نوک آن دوباره میشکند؛ آنگاه برای آزمایش قلم خودنویس خود، چند قطره جوهر روی کاغذ خشک کن میاندازیم؛ بعد کارت پستال را از سوراخ صندوق پست به درون صندوق میافکنیم. از کنار نگهبان خط میگذریم و وارد قطار میشویم. لوگوموتویو نیرومند قطار پف پف میکند و بالاخره راه میافتد؛ بزودی وارد تونل تاریکی میشود. صدای منظم چرخهای قطار که روی خطوط انشعاب میلغزند مارا در خواب فرمیبرد؛ ولی بزحمت بلند میشویم و به سالون نهارخوری قطار میرویم؛ در آنجا پیشخدمت قطار از داخل قوری قهوه که شیر درازی دارد، در فنجان ما قهوه میریزد. حالا قطار بسرعت حرکت میکند و ما در صندلیهای خود بالا و پائین میرویم. شاخکهای تیرهای راهنمایی نزدیک میشوند و آنگاه در بر ابر ما تمام قد ظاهر میشوند و سپس وقتی از کنار آنها رد شدیم، ناگهان پائین میافتد. ازینجره قطار بیرون را تماشا میکنیم؛ در چراگاهها گماوهای دیده میشوند، اسبهای دنبال هم میدوند، و کشاورزان زمین را شخم میزند و دانه میکارند. حالا آفتاب دارد غروب میکند و ما پدیدار میشود. سرانجام قطار وارد ایستگاه میشود و ما به مقصد میرسیم.

خواننده متوجه میشود که آنچه در طی این مسافرت انجام میدهیم و یا میگوئیم،

میحال است چیزی جز سابل‌های جنسی باشد. بنابراین امکان ندارد که مسافرت با قطار را عملاً بخواب ببینیم. بر طبق نظریات فروید آنچه در رؤیا دیده میشود فقط مسائل جنسی است و بس. بهتر است خود خواننده این امر را شخصاً آزمایش کند. بدینظریق که سعی کنند مسابقه فوتبال و یا گردشی در خارج از شهر و یا یک روز کار اداری را بدون استفاده از عباراتی که بنظر فروید مسئله جنسی را مجسم میکنند، شرح دهد، درنتیجه این آزمایش متوجه خواهید شد که کلیه اشیاء و فعالیتهای عادی زندگی را میتوان مظہر خاصی از عمل جنسی پنداشت.

خوانندگان تیزین و خردگیر شاید احساس کنند که گرچه بحث ما تابحال در بعضی موارد جالب بوده است ولی تابحال کوچکترین حقیقتی ذکر نکرده‌ایم که واقعاً حائز اهمیت و اعتبار علمی باشد. آنچه شرح داده‌ایم چیزی جز حدس و گمان و تعبیر و تفسیر نبوده است؛ درین قضاوتها آنچه معقول و مناسب حال است درنظر گرفته شده است. این رویدرا نمیتوان روش علمی دانست. برای کشف قانون اهم و یا قانون جاذبه عمومی و یا گردش خون ما هرگز نمیتوانیم به بحث و دلیل تراشی متولّ شویم، بلکه ابتداء فرضیه خاصی مطرح میشود، بعد استنباطهای منطقی ازین فرضیه بعمل میآید و آنگاه آزمایشها بعمل میآید تا صحت و یا سقم نظریه‌های اصلی معلوم شود. روش علمی همین است و متأسفانه هیچیک از بررسیهایی که در صفحات قبل باختصار شرح دادیم متکی براین روش نبوده است.

گناه وضع فعلی بگردن روانکارانی است که همیشه کوشش‌های خود را بجای اینکه در راه تحقیقات بیطرفانه و ارائه شواهد بکاربرند، مساعی خود را صرف ترغیب و تبلیغ ساخته‌اند. خواننده ما شاید بخاطر داشته باشد که ما اهمیت گروههای کنترل را در بررسیهای روانشناسی قبلاً تأکید کرده‌ایم. اما روانکاران در مطالعه تجربی رؤیا، هرگز از گروههای کنترل استفاده نکرده‌اند. لحظه‌ای تعمق نشان میدهد

که استفاده از گروههای کنترل نخستین شرط ضروری این قبیل تحقیقات است. بر طبق نظریه فروید، با استفاده از سمبولیزم و تداعی آزاد، محتوی ظاهری رؤیا مجدداً به محتوی مکنون بازگشت داده می‌شود. این استدلال را برای اثبات این فرضیه عنوان ساخته‌اند که رؤیای ظاهر حاصل رؤیای مکنون است ولی در این موارد اصل کنترل در نظر گرفته نشده است. حال اگر ما یکی از رؤیاهای آقای «الف» را در نظر بگیریم و از آقای «ب» بخواهیم که با استفاده از عناصر مختلف رؤیای آقای «الف» دست‌بتداعی آزاد بزند، نتیجه این نوع آزمایش چه خواهد بود؟ بارها من این آزمایش را انجام داده‌ام و باین نتیجه رسیده‌ام که خاطرات آقای «ب» بزودی منجر به پیدایش عقده‌هایی می‌شود که با استفاده از یکی از رؤیاهای خود او می‌توانستیم با آنها دست یابیم. به بیان دیگر نقطه شروع تداعیها ربطی به موضوع اصلی عقده‌ها ندارد.

همانطور که بر طبق ضرب المثل معروف «کلیه جاده‌ها به رم ختم می‌شوند»، درین مورد نیز باید گفت که کلیه افکار و خاطرات شخص معمولاً به مشکلات و آرزوها و امیال خصوصی فعلی او خاتمه می‌یابند. البته منظور این نیست که گفته فوق حقیقت متقن است، بلکه می‌خواهم نشان دهم که این هم نظریه دیگری است که ممکن است حقایق مشهود را توجیه کند، اما روانکاوان هرگز این نظریه را به محک آزمایش نزده‌اند. ابتدا باید نظریه‌های متعدد دیگری مطرح ساخت و صحبت آنها را از طریق آزمایش بررسی کرد و آنگاه درخصوص اعتبار و درستی فرضیه فروید قضاؤ نمود. تا وقتی‌که این قبیل بررسیها بعمل نیامده است، درین مورد رأی ما این خواهد بود که با اینکه برخی ازین نظرات جالب بنظر میرسند، معهذا با توجه به شواهد فعلی ما هم با سایر قضات همداستانیم که جنبه‌های نوین نظریه فروید نادرست هستند و آن قسمت نیز که درست بنظر میرسد، چیز تازه‌یی نیست. ممکن است که در نتیجه آزمایش‌های آینده، فرضیه‌های روانکاوی اعتبار بیشتری کسب کنند ولی در حال حاضر ما

بر اساس شواهدی قضاوت میکنیم که امر وز جمع آوری شده است.

با اینحال، واقعاً نمیتوان ادعا کرد که تا کنون هر گز تحقیقات تجربی درمورد مسئله رؤیا بعمل نیامده است. کوششهای امیدبخشی آغاز شده است ولی همانطور که انتظار میرفت، این کوششهار روانشناسان آکادمیک شروع کرده اند نه خود روانکاران. یکی ازین کوششهای امیدبخش آزمایش‌های لوریا^۱ روانشناس روسی است که مسئله تعبیر رؤیارا ضمن یک مسئله بنزرنگتر یعنی تحقیق تجربی عقده‌ها بررسی میکند. روش او عبارت ازین است که ابتداء تحت هیپنوتیزم^۲ عقده‌های خاصی در افراد بوجود می‌آورد و آنگاه بعداز آن که از خواب هیپنوتیزم بیدار شدند، کلیه عکس‌العملها و از جمله رؤیاهای آنان را تحت مطالعه مشاهده قرار میدهند. عقده‌هایی که باین ترتیب بوجود می‌آمد، جنبه ناهمشیار داشتند، چون وقتی از افراد مورد آزمایش درین خصوص سوال می‌شد، بنظر میرسد که از موضوع اطلاعی ندارند و از وقایعی که در طول خواب هیپنوتیک رخ داده بود بیخبرند. برای توضیح مطلب به ذکر مثالی نیازمندیم؛ من این مثال را از میان مطالعاتی که خودم برای بررسی صحت گزارش‌های لوریا بعمل آورده‌ام، ذکر می‌کنم. زن ۳۲ ساله‌یی که موضوع آزمایش بود، نخست هیپنوتیزه شد و آنگاه در جریان خواب هیپنوتیزم سعی کردیم وی تصور کند که واقعه زیر عمل^۳ اتفاق افتاده است: دیر گاه در یکی از شبها، هنگامیکه او از هم‌ستدھیت^۴ می‌گذشت، ناگهان صدایی پشت‌سرش می‌شنود و وقتی بر می‌گردد، مشاهده می‌کند که مردی دنبال او می‌دود. وی می‌کوشد که فرار کند ولی مرد او را سرانجام می‌گیرد و روی زمین می‌اندازد و بعنف با او تجاوز می‌کند. وقتی این زن از خواب هیپنوتیک بیدار شد، آشته بنظر میرسید و کمی می‌لرزید ولی قادر نبود عملت ناراحتی خود را شرح دهد. حادثه‌یی

1- Luria.

2- Hypnotism.

3- Hampstead Heath.

یکی از باغهای ملی لندن که شبیه جنگل مصنوعی کوچکی است.

را که در خواب هیپنوتیک باو القاء شده بود، کاملاً فراموش کرده بود . درین موقع از او تقاضا شد که دراز بکشد و استراحت کند . وی بعداز چند دقیقه در خواب طبیعی فرو رفت، ولی بالا فاصله او را بیدار کرده و از او خواستیم که آنچه احتمالاً بخواب دیده است شرح دهد . وی گفت که در خواب در محل دور افتاده و غیر مشخصی بود و ناگهان سیاه تنومندی که چاقوئی را در دستش تکان میداد ، باو حمله کرد و توانست ران او را با چاقو زخمی کند . واضح است که خواب هیپنوتیک در رؤیا بطور سمبولیک مورد تعبیر و تفسیر قرار گرفته است. این نکته، مؤید این حقیقت است که در رؤیا از طریق صحنه سازی و سمبولیزم ، اندیشه های خاصی ظاهر می شوند که در عالم بیداری بصورت مفاهیم مستقیم بیان می شوند . این روش تحقیق بسیار امید بخش بنظر می رسد ولی متأسفانه چندان مورد استفاده قرار نگرفته است . آزمایشی دقیق که طرح درستی داشته باشد، مسلمًا سودمندتر از هزاران مقاله داستانی است که روانکاوان در مجالات خود منتشر می کنند . متأسفانه در گذشته مطالعه موارد احتماصی و کنترل نشده وغیر قابل تکرار که متکی بر شواهد کافی نبود، جانشین برسی های علمی و تجربی گردیده است .

با اذعان باینکه هنوز در مورد رؤیا اطلاعات قطعی در دست نیست، آیا دست کم میتوان یک نظریه کلی درین مورد ارائه داد که شامل خلاصه يي، از گفتار قبلی ما بوده و در عین حال با حقایق موجود متناظر نباشد؟ چنین نظریه بی را میتوان بطریق زیر بیان کرد: ذهن آدمی دائمًا فعال است؛ هنگام بیداری قسمت اعظم مواد لازم برای فعالیت آن از طریق ادراف و قایع دنیای خارج فراهم می شود و فقط گاهگاهی، مثلاً هنگام حل مسائل و یا خیال‌بافی^۱، قسمتهایی از فعالیت درونی کاملاً مجزا از تحریک خارجی صورت می‌گیرد؛ در طی خواب کما بیش هیچ تحریک خارجی درین نیست

وبه‌همین جهت فعالیت ذهن از سلطهٔ محرکات خارجی بیرون می‌شود و جنبهٔ کاملاً درونی پیدا می‌کند.

بطورکلی، این فعالیت ذهنی نیز بیشتر مر بوط بهمان مسائلی است که هنگام بیداری ذهن ما را اشغال می‌کند. آرزوها، امیدها، ترسها، مسائل مختلف و راه حل آنها، و روابطی که با مردم داریم، چیزهایی هستند که ذهن را هنگام بیداری بخود مشغول میدارند و در عین حال هنگام خواب بصورت رؤیا ظاهر می‌گردند. اختلاف اساسی در این است که هنگام خواب فعالیت ذهن چندان پیچیده نیست و ضمناً در یک قالب کهنه وابتدائی جلوه گر می‌شود. قوای تعمیم و مفهوم‌سازی ذهن را کد بنظر میرسد و یک روش ابتدائی تصویری وظیفه این قوارا انجام میدهد. همین ابتدائی شدن^۱ جریان ذهن است که سبب پیدایش سمبولیزم می‌شود و این سمبولیزم نیز وظایفی را بعده دارد که هال در نظریه خود ذکر کرده است.

فعالیت سمبولیک ذهن تا حد زیادی منوط به یادگیری پیشین است. اسکیموها نمیتوانند در رؤیاهای خود عمل آمیزش جنسی را با شخم کردن نمایش دهند چون برای آنها شخم کردن معنی و مفهومی ندارد. بیماری که بوسیله یکی از پیروان فروید تحت تجزیه و تحلیل روانی قرار گرفته است هر گز در رؤیاهای خود از سمبلهای مورد نظر یونگ استفاده نخواهد کرد، چون با این سمبلهای آشنایی ندارد. بطورکلی نوع سمبلهای وابسته به نوع تحصیلات و تجربیات رؤیاییان است، معهدها پاره‌یی از سمبلهای از قبیل ماه، پیش از سمبلهای دیگر در رؤیا ظاهر می‌شوند زیرا تمام آدمیان با آنها آشنایی دارند.

با شرح فوق آیا صحیح است بگوئیم که در معالجه آشفتگیهای ذهنی میتوان از رؤیاهای افراد استفاده کرد؟ البته اگر قبول کنیم که رؤیا در حقیقت «ادامه اندیشیدن با روشی دیگر است» (این جمله مفهوم یکی از ضرب المثلهای مشهور است)،

در این صورت مسلم است که رؤیاها تا حدی ما را از مشکلات، آرزوها، و قریب‌های رؤیا بین آگاه می‌کنند؛ معهذا احتمال دارد که همین اطلاعات را بطريقی ساده یعنی سوال از خود شخص جمع آوری کنیم. ولی همیشه باید این احتمال را نیز در نظر گرفت که در موارد محدودی بیمار قادر نیست این اطلاعات را در اختیار ما بگذارد چون حقیقتاً از عقدها و افکار خویش بی‌اطلاع است. حالاً گر ثابت شود که در چنین مواردی با استفاده از رؤیاها میتوان باین مواد ناهمیار دست یافت، در این صورت جواب ما به پرسش فوق مثبت است؛ ولی تا وقتیکه این فرضیه بر شواهدی معتبرتر از شواهد فعلی متكی نباشد، رأی ما این خواهد بود که به سؤال فوق نمیتوان بالاطمینان کامل جواب داد. اما اگر روزی آزمایش‌های لازم درین مورد بعمل آید و به مسئله گروههای کنترل و سایر پیش‌بینی‌های احتیاطی توجه شود، خواهیم توانست درباره این بحث بالاطمینان و قاطعیت بیشتری اظهار نظر بکنیم. در حال حاضر تنها حکمی که درین باره میتوانیم بگنیم همان حکم متداول در اسکاتلند خواهد بود: «به ثبوت نرسید».

پایان